

Analyzing alternative futures of the Iranian-Islamic house in accordance with the new values of urban lifestyle based on the Future studies approach*

Mohammad Ali Key nejad

Professor of Civil Engineering Faculty, Sahand University of Technology, Tabriz, Iran.

ma_kaynejad@tabriziau.ac.ir

Azita Belali Oskoyi

Associate professor of the department of Architecture and Urban planning, Islamic Art University of Tabriz, Iran (Corresponding author).

a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

Ali Mirzaie

PhD student of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Art University of Tabriz, Iran.

a.mirzaie@tabriziau.ac.ir

Abstract

The concept of house and housing has been changed in the modern urban lifestyle and its values have been interpreted in a different way and it also takes on a new concept every day. In the modern urban lifestyle, housing is not merely a home but it is more of a private place that one experiences and while reflecting on , it is free from the permanent and inflexible habits dictated by tradition, and by it impute selection nature, a relative and flexible state. Therefore; the idea of house and its changes in accordance with contemporary era is an issue which should be taken into account by city planners, urban designers and architects. New models and concepts of house should be taken into account to not only have the necessary compatibility with the needs and demands of the modern society but also match the needs and life-style of the past and future Iranian-Islamic society.

The purpose of this study is to achieve alternative futures based on housing alternative metaphors as well as to identify the possible scenarios of the house and housing in the future so as to preserve the cultural, social and physical values of the house. Accordingly, the present study with a futuristic approach using the Layer of Causes Analysis (CLA) method, analyzed the change of house pattern in four layers of analysis including litany, macro-social causes, discourse / worldview and myth / metaphor. And it intends to achieve a clear understanding of the causes of these changes to provide alternative scenarios for the concept of house and housing in the future based on alternative metaphors of the concept.

Using purposive sampling, in-depth semi-structured interviews were conducted with experts who had sufficient knowledge and experience in the subject matter, and sampling continued until the stage of theoretical saturation. According to the study results, four scenarios of smart house including; netted house, flexible house and a rational house were presented.

Keywords: idea, house, modern urban lifestyle, CLA.

* This article has been carried out in relation with the PhD research dissertation in a specific course under the guidance of Dr. Belali Oskoyi, Azita.

واکاوی آینده‌های بدیل از انگاره خانه ایرانی - اسلامی متناسب با ارزش‌های نوین سبک زندگی شهری مبتنی بر رویکرد آینده‌پژوهی

محمدعلی کی‌نژاد

استاد دانشکده مهندسی عمران، دانشگاه صنعتی سهند، تبریز، ایران. ma_kaynejad@tabriziau.ac.ir

آزیتا بلالی اسکویی

دانشیار گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران (نویسنده مسئول).
a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

علی میرزایی

دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.
a.mirzaie@tabriziau.ac.ir

چکیده

مفهوم خانه و مسکن در سبک نوین زندگی شهری متحول شده و ارزش‌های آن به‌گونه‌ای دیگر تفسیر گردیده و هر روزه مفهومی نوین می‌گیرد. در سبک نوین زندگی شهری، مسکن لزوماً خانه نیست و بیشتر یک فضای خصوصی است که فرد آن را تجربه می‌کند و در تفکر آن، از عادت‌ها و رویه‌های ثابت و نا منعطفی که سنت به آن دیکته می‌کند، رها است و ویژگی برگزیدن و انتخاب گری، حالتی نسبی و منعطف به آن می‌بخشد از این‌رو انگاره خانه و تغییرات آن در انطباق با دوران معاصر، مسئله‌ای است که باید مورد توجه شهرسازان، برنامه ریزان، طراحان شهری و معماران قرار گیرد و باید به دنبال الگو و انگاره‌ای جدید از مفهوم خانه بود تا علاوه بر داشتن سازگاری لازم با نیازها و خواسته‌های جامعه نوین، با خواسته‌ها و سبک زندگی گذشته و آینده جامعه ایرانی - اسلامی نیز تطابق داشته باشد. هدف از انجام این پژوهش، دستیابی به آینده‌های بدیل بر مبنای استعاره‌های بدیل از خانه و شناسایی سناریوهای محتمل خانه و مسکن در آینده، به‌منظور حفظ و صیانت از ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، کالبدی خانه می‌باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکرد آینده پژوهی به روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها (CLA)، تغییر انگاره خانه را در چهار لایه‌ی تحلیل شامل لیسانی، علل کلان اجتماعی، گفتمان / جهان بینی و اسطوره / استعاره، مورد واکاوی قرار داده و بر آن است تا ضمن دستیابی به درک روشن از علت‌های این تغییرات، سناریوهای بدیلی را برای مفهوم خانه و مسکن در آینده بر مبنای استعاره‌های بدیل این مفهوم ارائه دهد. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته با صاحب‌نظرانی که در زمینه موضوع مورد بحث، دارای دانش و تجربه کافی بودند، صورت گرفته و نمونه‌گیری تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. بر اساس نتایج تحقیق، چهار سناریوی خانه هوشمند، خانه شبکه‌ای، خانه منعطف، خانه عقلانی ارائه شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: انگاره، خانه، سبک نوین زندگی شهری، آینده پژوهی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۴، پیاپی ۴۵، اسفند ۱۴۰۱، صص ۵۶۹-۶۱۴

مقدمه و بیان مسئله

هم‌زمان با ورود مدرنیته و آغاز دوران تأثیرپذیری از اروپا، ارزش‌های نوینی در نظام معماری و شهرسازی ایران شکل گرفت. این تغییر ارزش‌های موجود در راستای تغییر تدریجی نیازهای مردم به وجود آمد. نیاز به شکل‌گیری عناصر و فضاهایی که نشان‌دهنده خواسته‌ای جدید بودند؛ اما متأسفانه به علت ورود یک‌باره مدرنیته به ایران و عدم وجود زمان لازم برای هماهنگ و سازگار شدن آن با سیستم‌های بومی موجود و ارزش‌های این سرزمین تنها برداشتی التقاطی از تفکرات دیگر فرهنگ‌ها به وقوع پیوست. از آنجاکه مدرنیته این فرصت را نیافت تا مسیری آرام و منطقی را برای گذار از سنت به تجدد، طی کند تنها به تقلید از نمونه‌های خارجی که هیچ‌گونه سنخیتی با فرهنگ و ارزش‌های زیستی این مردم نداشت، پرداخت. از این‌رو شکاف عمیقی بین نمونه‌های جدید ساخته‌شده در این دوران با نمونه‌ای پیشین ایجاد شد. محققین فرهنگ‌گرا معتقدند «شکل، ظرف مکان معلومی است از فرهنگ آن جامعه». بنا به این تعریف، ساختن یک‌خانه، پدیده‌ای فرهنگی است و شکل خانه (فرم کالبدی و سازمان فضایی آن)، شدیداً از محیط فرهنگی که خانه به آن تعلق دارد، تأثیر می‌پذیرد. مفهوم خانه و سبک زندگی جزئی از فرهنگ جامعه را در برمی‌گیرد. در دوران اخیر، همچنان که جامعه و فرهنگ در مسیر دگرگونی قرار می‌گیرند، سبک سکونتی و الگوی آن نیز تغییر می‌یابد و یکی از مهم‌ترین این تغییرات، نبود سازگاری کامل بین شیوه زندگی و سکونتگاه است. گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن یا شبه مدرن باعث شده است که الگوی مسکن نتواند خود را با الگوی زندگی جدید و خواسته‌های اجتماعی و اقتصادی سازگار کند. این روند را می‌توان به عدم انطباق الگوی زندگی و نیاز اجتماعی با الگوهای مسکن و خانه‌سازی‌های موجود و عدم توانایی سبک زندگی کنونی با خواست و نیاز جامعه اسلامی دانست و باید به دنبال الگویی جدید از مفهوم خانه بود تا علاوه بر داشتن سازگاری لازم با نیازها و خواسته‌های جامعه نوین با خواسته‌ها و سبک زندگی گذشته و آینده جامعه ایرانی - اسلامی نیز تطابق داشته باشد. خانه در گذشته تجلیگاه امنیت و متضمن حریم در محیط خانواده بوده، اما در خانه‌های چند دهه اخیر، به‌خصوص در کلان‌شهرها، وجوه مختلف امنیت به‌طور محسوسی خدشه‌دار

شده است. این در حالی است که در شهرسازی امروز و در نظام غالب سکونت یعنی آپارتمان‌نشینی، ماهیت تعاریف و حریم‌های فوق به‌طور کلی متحول شده است. پدیده آپارتمان‌نشینی، ویژگی‌های اجتماعی خاص خود را دارد؛ همسایه‌ها در کنار هم زندگی می‌کنند، در حالی که باهم غریبه‌اند. گرچه در این نظام برخلاف خانه‌های سنتی، همسایه‌ها به لحاظ مکانی و کالبدی به یکدیگر نزدیک‌اند، از نظر عاطفی از هم بسیار دورند. تضعیف حریم در خانه‌های امروزی، ساخت مشرف ساختمان‌ها نسبت به هم محدود شدن روابط همسایگی، نبود سلسله‌مراتب در خانه‌های امروزی، شکل‌گیری نگرش اقتصادی به‌جای نگاه ارزشی به خانه، تبعیت خانه‌ها همچون دیگر کالاها از قوانین عرضه و تقاضا و سازوکارهای بازار و ... همگی نشان‌دهنده تغییر در الگوی سکونتی و فرهنگ خانه می‌باشد.

مفهوم خانه و مسکن در سبک نوین زندگی شهری متحول شده و ارزش‌های آن به‌گونه‌ای دیگر تفسیر شده و هر روزه مفهومی نوین می‌گیرد. در سبک نوین زندگی شهری، مسکن لزوماً خانه نیست و بیشتر یک فضای خصوصی است که فرد آن را تجربه می‌کند و در تفکر آن، از عادت‌ها و رویه‌های ثابت و نامنعطفی که سنت به آن دیکته می‌کند، رها است و ویژگی برگزیدن و انتخاب‌گری، حالتی نسبی و منعطف به آن می‌بخشد اما اکنون این یک واقعیت است که جامعه‌ی ما به لحاظ هویتی، یک جامعه با هویت‌های چندگانه می‌باشد که تکثر و تنوع منابع هویتی در آن، بر پیچیدگی اوضاع صدچندان افزوده به‌نوعی از ساختارها و پیوندهای گذشته خود متفاوت شده و قرار و سکون خود را در ساختارها و پیوندهای جدید جستجو می‌نماید، بالطبع این جداگستگی، در نحوه زندگی و رفتار افراد این جامعه اثر گذاشته و تغییرات بنیادی در سبک و نوع زندگی آن‌ها خواهد داشت. بر این اساس تغییراتی در سبک زندگی اسلامی - ایرانی و گرایش آن به سبک زندگی غیر اسلامی در انتخاب نوع خانه و الگوی سکونتی را نیز سبب شده و ماحصل آن؛ رواج ضد ارزش‌هایی همچون توجه به مد و مصرف و خودنمایی و رقابت‌های مادی در جامعه است. لیکن از این منظر مشکلات زیادی را در پیشروی خانواده‌ها و مسئولین قرار داده، شاید به‌جرت بتوان گفت که مهم‌ترین مشکل نسل جوان ما و خانواده‌هایشان همین فضای هویتی متکثر و پیچیده است. بنابراین در چنین وضعیتی، انجام پژوهش حاضر را برای فهم درست و عمیق این تغییرات و آسیب‌شناسی سبک و فرهنگ زندگی کنونی جامعه ایرانی و ارائه راهکارهایی جهت بهبود آن با واکاوی‌ها بدیل از مفهوم خانه ایرانی - اسلامی متناسب با سبک زندگی شهری اجتناب‌ناپذیر ساخته؛

به‌گونه‌ای که این تلاش، ضمن اینکه دایره‌ی انتخاب خانواده‌ها را گسترده‌تر می‌نماید، امکان طرح الگوهای اسلامی و ایرانی زندگی را در عصر جدید مطرح می‌سازد و با این کار از گرایش اجباری خانواده‌ها به سبک‌های زندگی غربی و غیر اسلامی آینده می‌کاهد؛ از این‌رو گسترش سلوک حیات دینی از ضروریات جامعه می‌باشد؛ یعنی این که ارائه تفسیری توحیدی از زندگی برمبنای خدامحوری، متفاوت از سبک زندگی انسان مدارانه غربی است. درنهایت هدف محققان بر آن است تا به سازندگان مسکن این را متذکر شود که با آگاهی کامل از دیدگاه اسلام، تمدن اسلامی را که خانه نیز بخش بزرگی از آن به شمار می‌آید؛ بر مبنای سرچشمه راستین آن بسازند. از این منظر توجه به حوزه سبک زندگی یکی از امور مهم سیاست‌گذاری فرهنگی کشور می‌باشد که می‌تواند برای حل مشکلات فرهنگی و اجتماعی بسیار راهگشا باشد.

۱. هدف و سؤال پژوهش

به نظر می‌رسد باید به‌منظور نگهداشت انگاره‌های مسکن (خانه) ایرانی- اسلامی، قبل از ورود به آینده، سناریوهای محتمل برمبنای استعاره‌ها و انگاره‌های مختلف از خانه را شناسایی کرده و نگاشت مناسبی از ادبیات موضوع در کنار شالوده شکنی و جستجوی ژرف‌تر مسئله انجام داد. به‌گونه‌ای که اگر قرار بر آن باشد تا سبک خاصی در ساخت خانه برای آیندگان خود داشته باشیم؛ بهترین سبک همان سبکی خواهد بود که بر اساس آموزه‌های اسلامی و قرآنی باشد. وقتی از نسبت میان سبک زندگی ایرانی و الگوی خانه‌سازی مبتنی بر اندیشه اسلامی سخن می‌گوییم، بی‌تردید عناصر و مؤلفه‌های گوناگونی را دخیل کرده‌ایم که مطالعه و بررسی آن‌ها نیازمند پژوهشی میان‌رشته‌ای است و پژوهشگران سعی بر آن دارند در حوزه شهرسازی برای تداوم و ماندگاری انگاره‌های خانه ایرانی- اسلامی، سناریوهای محتمل برمبنای استعاره‌های مختلف از خانه، قبل از ورود به آینده، شناسایی، موردبحث و واکاوی قرار دهند. لذا این پژوهش سعی دارد که ایجاد آینده‌های بدیل را از طریق معرفی انگاره‌های جدید به‌عنوان زیربنایی‌ترین لایه پیشنهاد نماید. در همین راستا برمبنای انگاره‌ها از خانه‌گفتمان‌های جدید شکل خواهند گرفت و مسیر رویدادها و روندهای آینده به‌گونه‌ای دلخواه و مطلوب، امکان تعدیل و تغییر خواهند داشت. پرسش اصلی تحقیق این است که چه انگاره‌هایی از خانه در سبک نوین زندگی شهری وجود دارد و سناریوهای محتمل آن برای آینده‌های بدیل کدامند؟

۲. پیشینه پژوهش

این پژوهش به دنبال ارائه آینده‌های بدیل در سبک نوین زندگی شهری از طریق ارائه انگاره‌ها و به تبع آن گفتمان‌های بدیل از مفهوم خانه است. در ارتباط با مفهوم خانه و مسکن شهری به چندین پژوهش می‌توان اشاره کرد که در ادامه سعی شده نزدیک‌ترین تحقیقات انجام‌گرفته در این حوزه ارائه گردد.

جدول (۱): پیشینه تحقیق

ردیف	محققین	سال	عنوان تحقیق	یافته‌های کلیدی تحقیق
۱	شینر و کسپر ^۱	2003	در مقاله‌ای تحت عنوان سبک‌های زندگی، انتخاب مکان سکونت و جابه‌جایی روزانه، رویکرد سبک زندگی در محیط برنامه‌ریزی و جابه‌جایی مکانی	ارائه روشی مفهومی و نتایج اولیه پروژه مطالعات میان‌رشته‌ای
۲	جانگ لی ^۲	2005	در مقاله تحت عنوان تأثیر سبک زندگی بر ارجحیت‌های سکونتی ساکنان سکونت‌گاه‌های دارای چند خانواده	در خوشه‌های جمعیتی سکونت‌گاه‌ها دارای جهت مرکز شهر بودند و ضعیف‌ترین حس مالکیت هم متعلق به این خوشه بود. آن‌ها علاقه‌مند به داشتن ویژگی‌های امنیتی در منزل خود بودند. ساکنان خوشه‌های پایه‌ای کمترین کشش را نسبت به آپارتمان داشتند. همچنین دومین حس ضعیف نسبت به مالکیت نیز متعلق به آنان بود. ساکنان خوشه منزل دارای قوی‌ترین حس مالکیت و علاقه نسبتاً زیاد به ویژگی‌هایی همچون طراحی داخلی گران‌قیمت بودند. ساکنان خوشه محیطی به حاشیه شهر گرایش داشتند. آن‌ها همچنین علاقه‌مند به داشتن فضای پارک در بیرون از منزل، سیستم آبیاری گیاهان و تعمیرگاه اتومبیل بودند

1. Scheiner & Kasper

2. Jeong Lee

ردیف	محققین	سال	عنوان تحقیق	یافته‌های کلیدی تحقیق
۳	واکر و لی ^۱	2007	در تحقیق سبک زندگی پنهان و تصمیم درباره محل سکونت	تخمین گروه‌های سبک زندگی و چگونگی تأثیر سبک زندگی بر تصمیم‌گیری در مورد محل سکونت. سه گروه دارای سبک زندگی پنهان: حاشیه‌نشینان، شهرنشینان و رانندگان ترانزیت.
۴	جانسن ^۲	2011	در طرح پژوهشی ارزش‌افزوده متغیرهای سبک زندگی: پژوهش همچنان ادامه دارد	گروه مورد مطالعه از نظر سن، درآمد، آموزش، تجربه کاری، جنسیت و نوع مسکن متفاوت هستند. ویژگی‌های منازل افرادی که علاقه‌مند به تغییر محل سکونت خود نیستند و مشخصات مسکن‌های مورد علاقه افرادی که خواستار تغییر محل سکونت خود هستند مورد مقایسه قرار گرفت. ویژگی‌های منازل چهار گروه مورد مطالعه تفاوت بسیاری داشت. بالاین وجود بعد از تصحیح متغیرهای اجتماعی - جمعیتی بسیاری از این تفاوت‌ها از بین می‌روند. این امر نشان می‌دهد که تفاوت‌ها ناشی از متغیرهای اجتماعی - جمعیتی هستند و از تفاوت در ارجحیت‌های محل سکونت ناشی نمی‌شوند. تأثیر ارزش‌ها بر ارجحیت‌های سکونتی اندک می‌باشد
۵	انوار محمود و همکاران ^۳	2012	در مقاله جهت سبک زندگی و محیط مسکونی: روشی اکتشافی	رابطه سبک زندگی و ارزش‌گذاری محیطی مغفول مانده است. برای برنامه‌ریزی در مورد محیط‌های مسکونی آینده، ارائه درکی کلی‌تر از نیازهای افراد برای سیاست‌گذاری الزامی است.

1. Walker & Li
2. Jansen
3. Anwar Mahmud & et al.

ردیف	محققین	سال	عنوان تحقیق	یافته‌های کلیدی تحقیق
۶	فرنکل و همکاران ^۱	۲۰۱۳	در مقاله انتخاب محل سکونت برای دانش آموزان: نقش امکانات رفاهی، محل کار و سبک زندگی	اصلی‌ترین عوامل مؤثر سطح زندگی اقتصادی-اجتماعی، توان مالی، زمان رفت‌وآمد می‌باشد. عوامل تأثیرگذار درجه دوم سبک زندگی و مسائل فرهنگی می‌باشد.
۷	وان آکر و همکاران ^۲	۲۰۱۴	توصیف دسترسی به اتومبیل با استفاده از رابطه بین سبک زندگی، محل سکونت و دیدگاه افراد در مورد مسافرت و محل سکونت	نتایج معادله ساختاری نشانگر تأثیر عمده محله سکونت بر دسترسی به اتومبیل می‌باشد. البته تأثیر این متغیر در مقایسه با مرحله زندگی، دیدگاه در مورد مسافرت کمتر می‌باشد.
۸	فاضلی	۱۳۸۶	در مقاله تحت عنوان مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)	این پژوهش با ارائه تبیینی واژه شناسانه از مفهوم سبک زندگی، به بررسی ابعاد مفهومی آن در حوزه علوم اجتماعی پرداخته است. نتیجه اینکه، مفهوم سبک زندگی با مفاهیم دیگری چون ذائقه و سلیقه در علوم اجتماعی، ارتباط و پیوند وثیقی دارد.
۹	نقی‌زاده	۱۳۹۱	در مقاله تأملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایران	مجموعه ویژگی‌های تأثیرگذار بر فعالیت‌های انسان و از جمله طراحی و ساخت مسکن وی متشکل از قوانین حاکم بر عالم وجود و اصول توصیه شده برای حیات وی می‌باشد. صفات فعل الهی از اصلی‌ترین صفاتی هستند که می‌توانند به‌عنوان صفات و ویژگی‌های مسکن اسلامی ایرانی مطرح شوند.
۱۰	نیازی و کارکنان نصرآبادی	۱۳۹۲	در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی رابطه بین میزان دین‌داری و سبک زندگی شهروندان مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان	این تحقیق از نوع مطالعه پیمایشی بوده و داده‌های تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه و مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. در مجموع، نتایج فعالیت آماری مربوطه با

1. Frenkel & et al.

2. Van Acker & et al.

ردیف	محققین	سال	عنوان تحقیق	یافته‌های کلیدی تحقیق
			در سال ۹۰	استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن، رابطه معنادار دو متغیر میزان دین‌داری و هریک از ابعاد سبک زندگی و نوع سبک زندگی افراد را در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار داده است. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیونی به روش گام‌به‌گام، اثرات بعد اعتقادی و بعد آگاهی دین‌داری را به ترتیب با ۲۹ و ۲۸ درصد بر سبک زندگی شهروندان نشان می‌دهد.
۱۱	ابو ترابیان	۱۳۹۳	در مقاله نمادهای سبک زندگی غربی در تقابل با سبک زندگی اسلامی	پوسته فرهنگ غربی پیشرفت ظاهری است اما باطن آن سبک زندگی مادی، شهوت‌آلود، گناه آفرین و هویت زدای ضد معنویت است. اصل اصالت لذت و اصالت منفعت به‌عنوان دو اصل اساسی جاری در زندگی مردم مغرب زمین بر اساس مفاهیم فلسفه اومانیزم تعریف می‌شود. اومانیزم، ماده‌گرایی، سکولاریسم، خردگرایی، فردگرایی و جهانی شدن پایه و اساس تفکر در مغرب زمین را شکل می‌دهند.
۱۲	الهی زاده و سیروسی	۱۳۹۳	در مقاله تحت عنوان الگوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی	نتایج زبان‌بار سیاست‌های دولت در تقلید از روش‌های معماری مدرن و بی‌توجهی به فرهنگ ایرانی اسلامی، ترویج فرهنگ فردگرایی، بی‌هویتی، تمرکز بر مسکن انبوه و روی‌گردانی از روش‌های بومی بود. در این جهت، باید برنامه‌سازان مسکن، با در نظر گرفتن تعالیم اسلام و الگوگیری از معماری گذشته ایران، از تسلط معماری غرب بکاهند. بدیهی است که در این زمینه می‌بایست

ردیف	محققین	سال	عنوان تحقیق	یافته‌های کلیدی تحقیق
				به‌جای توجه کمی به ساخت مسکن، به کیفیت تغییر جهت داد.
۱۳	باقری و همکاران	۱۳۹۳	در مقاله ارزیابی تحول زبان الگو در معماری مسکن (بررسی موردی: خانه‌های دوره قاجار و مسکن معاصر در شهر زنجان)	استنتاج نهایی تحقیق آن است که با بذل توجه عمیق به الگوهای فرهنگی (رفتاری) و سازمان فضایی، زبان الگوی سکونت قابل بازیابی است. تقویت رابطه بصری و دسترسی به طبیعت، طراحی مبتنی بر حواس محیطی، حفظ تشخص، تنوع و انعطاف‌پذیری فضاهای سکونتی، تعامل‌پذیری خانواده و همسایگان و تداعی گری خاطرات در بازآفرینی سازمان فضایی و زبان الگوی سکونت تأثیرگذار است.
۱۴	نقی‌زاده	۱۳۹۳	در مقاله مسکن اسلامی (مبانی نظری تا جلوه‌های عینی در گذشته و حال)	در این مقاله به ریشه‌یابی برخی از ویژگی‌های اصلی مسکن از متون پرداخته شده است که هم از نظر مادی (امنیت، شکل‌گیری، گسترش خانواده و رفع نیازهای اولیه)، هم از نظر روانی (آرامش و امنیت فکری و روانی) و هم از نظر معنوی (تفکر و عبادت) نیازهای او را مرتفع می‌سازد بررسی شده است.
۱۵	شستی و فلامکی	۱۳۹۳	در مقاله رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی (با تکیه بر نظریه جامعه کوتاه‌مدت و نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران)	این پژوهش نسبت میان مشخصه‌های سبک زندگی در ایران و شکل محل سکونت را تبیین می‌کند و رابطه میان این دو را مورد بررسی قرار می‌دهد و حکایت از این مطلب دارند که نه همیشه، اما در شمار قابل توجهی از موارد، مسئله عدم هماهنگی، عدم همگونی و آشفتگی در فردیت و سبک زندگی‌ای که ریشه در خاستگاه تاریخی و اجتماعی دارد، در شکل و

ردیف	محققین	سال	عنوان تحقیق	یافته‌های کلیدی تحقیق
				کالبد محل سکونت نیز مشهود است.
۱۶	حمزه‌نژاد و صدریان	۱۳۹۳	در مقاله اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر	این پژوهش با استفاده روش استدلالی و همچنین روش تاریخی و تطبیقی به برخی از مهم‌ترین اصول طراحی خانه در دو دسته سلبی و ایجابی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد اصول معماری اسلامی از قبیل حریمیت و محصوریت، عدم اشراق، مهمان‌پذیری، تعادل در مترائز خانه و تزیینات که به‌طور عمده در بافت‌ها و خانه‌های سنتی ایران رعایت می‌شد؛ امروزه نیز در طراحی خانه‌های معاصر مورد تأیید و تأکید نظریه‌پردازان و معماران مطرح جهانی بوده و در برخی موارد نیز عدم تطابق آموزه‌ها و مصداق‌های معاصر با اصول اسلامی قابل مشاهده است.
۱۷	آصفی و ایمانی	۱۳۹۵	در مقاله باز تعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی-اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی	در پی شناسایی پارامترهای مطلوبیت و معیارهایی جهت تدوین راهکارهای مؤثر برای افزایش کیفی، مسکن معاصر بوده‌اند. طبق نتایج این پژوهش، رابطه معناداری بین کیفیت خانه‌های سنتی، انسان، معماری و سبک زندگی گذشته وجود دارد که از سنت‌ها و ارزش‌های اصیل سرچشمه می‌گیرد. همچنین انطباق خانه، مسکن و محیط مسکونی با سبک زندگی از مهم‌ترین معیارهای مطلوبیت کیفیت شناسایی شده است و لذا بایستی در خانه معاصر جایی داشته باشد تا خانه معاصر نیز بازنمود آرامش واقعی برای انسان باشد.

ردیف	محققین	سال	عنوان تحقیق	یافته‌های کلیدی تحقیق
۱۸	محمودی مهمان‌دوست	۱۳۹۵	در مقاله‌ای تحت عنوان معنا در مسکن، بازخوانی روایت مسکن دیروز برای زندگی امروز	هدف وی بررسی مفاهیم سکونت در معماری خانه‌های سنتی ایران و مقایسه با مفاهیم زندگی مدرن است. وی نتیجه می‌گیرد با تعمق در روش زندگی و توجه به سازوکار سکونت اسلامی می‌توان با اصلاح اصول معماری و شهرسازی موجبات احیای مجدد مفاهیم سکونت اسلامی را در مسکن و خانه امروز فراهم آورد.

منبع: (مطالعات اسنادی نگارندگان، ۱۳۹۸)

همان‌طور که در ارائه پژوهش‌های پیشین مشاهده گردید، مفهوم دقیق خانه و مسکن ایرانی - اسلامی در شهرهای معاصر براساس سبک زندگی شهری مورد واکاوی قرار نگرفته است و این گویای نوآوری تحقیق حاضر نیز می‌باشد. امروزه مفهوم خانه به‌صورت یک خوابگاه صرف جایگزین خانه‌های سنتی که واجد معنا و خاطره ساز بود، گردیده است و افراد درون خانه نیز در تغییر مفهوم خانه در سبک نوین زندگی شهری به هم خوابگاهی تغییر یافته و تعاملات اجتماعی در داخل خانه نیز بسیار کمرنگ شده است. به نظر می‌رسد در این زمینه بررسی اینکه خانه در شهرهای معاصر دقیقاً چه مفهومی دارد؛ قابل بررسی است. بدیهی است، بررسی عوامل شکل دهنده به خانه‌های گذشته و ارائه راهکارهایی برای انتقال آن به حال و آینده، به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخگو باشد و ضرورت دارد با نگاهی به آینده و واکاوی آینده‌های بدیل، استعاره‌های بدیل برای مفهوم خانه در نظر گرفته شود. در این پژوهش با تحلیل لایه‌ای علت‌ها، ابتدا واقعیت موجود در خصوص مفهوم «خانه» لایه به لایه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و سپس با شروع از عمیق‌ترین لایه یعنی «اسطوره/ استعاره» به ارائه استعاره‌های بدیل برای مفهوم خانه از نگاه متخصصین می‌پردازیم. نگارش سناریوها با ارائه گفتمان/جهان‌بینی‌های بدیل از سوی متخصصین بر مبنای استعاره‌های بدیل و در نهایت ارائه علل کلان اجتماعی بدیل بر مبنای گفتمان/جهان‌بینی‌های بدیل انجام می‌گیرد.

۳. چارچوب نظری پژوهش

۳-۱. مفاهیم مرتبط با خانه و مسکن در قرآن

در قرآن کریم برای واژه خانه معادل‌های بیت، دار، مسکن، منزل و... به کار رفته است. پرکاربردترین واژه برای خانه واژه بیت است که از ریشه بیت به معنای مختلف ۷۳ بار در قرآن کریم استفاده شده است. حدوداً ۴۰ بار در معنای خانه‌های معمولی و آنچه نزد عوام به‌عنوان خانه شناخته شده است به کار می‌رود.

سکونتگاه در قرآن با عباراتی مانند بیت (نحل/۸۰)، دیار، دار، مسکن (البقره/۸۴)، (الانعام/۱۲۷)، (الصف/۱۲)، بنیان مرصوص، قصر، العماد (فجر/۷)، عمارت (توبه/۱۹)، روم/۹)، عروش (بقره/۲۵۹، کهف/۴۲)، بنا (نحل/۲۶، صافات/۹۷)، مدینه (اعراف/۲۳) یاد می‌شود.

کلماتی دیگر مانند جدار به معنای دیوار سازی (کهف/۷۷)، عمد و عماد به معنی ستون‌ها (رعد/۲، لقمان/۱۰، همزه/۹، الفجر/۷)، ارم به معنی سنگ‌های چیده شده بر روی هم (فجر/۶)، سقف به معنی پوشش سکونتگاه (نحل/۲۶) و قاعده به معنی شالوده سازی اشاره به ساخت انسانی دارد.

مسکن بر وزن مفعل، اسم مکان از ریشه عربی «سکن» به معنای آرامش و سکون می‌باشد که به معنای محل آرامش و سکون است و در اصطلاح به مکانی می‌گویند که انسان در آن زندگی می‌کند. واژه مسکن یعنی جایی که آدمی در آن سکنی می‌گزیند تا به سکینه دست یابد و این همان تعریف خانه است. در واقع مسکن، همان خانه می‌باشد و هر دو یک مکان را معرفی می‌نمایند (بمانیان، ۱۳۹۱: ۲۰).

در قرآن کریم صراحتاً واژه مسکن به معنی جایی که در آن آرامش باشد؛ آمده است (الانعام/۱۳ و ۹۶).

در آیه ۸۰ سوره نحل، خانه مایه سکینه شمرده شده است. این آیه یکی از شاه‌کلیدهای بحث سکونت و آرامش در خانه است که بیت را مایه سکون و آرامش انسان شمرده است و از دو نوع سکونتگاه؛ مسکن ثابت (من بیوتکم سکنا) و مسکن سیار (جعل لکم من جلود الأنهمام بیوتا) یاد شده که آن‌ها را نعم الهی می‌داند (وثیق و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۷).

«والله جعل لکم من بیوتکم سکنا و جعل لکم من جلود الأنهمام بیوتاً تستخفونها یوم ظعنکم و یوم أقامتکم و من اضوافها و اوبارها و اشعارها اثاثاً و متاعاً إلی حین» (نحل/۸۰).

«خدا خانه‌هایتان را جای آرامستان قرار داد و از پوست چهارپایان برایتان خیمه‌ها ساخت تا به هنگام سفر و به هنگام اقامت از حمل آن‌ها در رنج نیفتید و از پشم و کرک و مویشان تا روز قیامت برایتان اثاث خانه و اسباب زندگی ساخت»

جدول (۲): خردمعیارهای سکونتگاه اسلامی در شهر اسلامی بر اساس استنباط از

آیه‌های قرآنی

معیارها	مفهوم هم‌جوار	کاربرد	استنباط از آیه‌های قرآن
انسان	تجربه معنوی	رفتارهای مکانی	سکونت اسلامی دارای جنبه‌های روانی و تعاملی است که در آن فرد ناخودآگاه به ترکیب رفتار- مکان می‌پردازد (بقره/۱۲۵) لذا انسان نقش مشارکتی را دارد و بازیگر اصلی سنجش مکانی سکونتگاه است.
روانشناسی	آرامش	امنیت روانی شهری	آرامش و زندگی مطبوع با شرط قرار گرفتن در مسیر فیض الهی (بقره/۳۵)، آرامش در دو بعد ظاهری و باطنی (اعراف/۴۳)، دارا بودن آرامش در زندگی دنیوی (طلاق/۶)
برنامه‌ریزی ساخت سکونتگاه‌ها	حق جویی و اعتدال	برنامه‌ریزی شهری با توجه به سکونتگاه‌های خرد	خداوند تمامی مراحل سکنی‌گزیدن، از ساخت مسکن، انتخاب زمین برای بنا کردن ساختمان و شهر و نیز چگونگی دست‌یابی بشر به قوانین ساختمان‌سازی را هدیه الهی می‌نامد و خاطرنشان می‌شود این آموزه‌ها مادامی که در مسیر حق و حقیقت باشد باعث رشد و سعادت انسانی و در پی آن رشد اجتماعی می‌گردد (الاعراف/۷۴)، این آیه کلمه «عشو» یعنی خروج از حد اعتدال و منظور خارج شدن انسان از قوانین و سنن الهی است که باعث فساد خواهد شد، این قوانین در طبیعت و نهاد بشری در مسئله سکونت چه در برنامه‌ریزی کلی شهری و چه در قرارگیری بنا و نقشه آن مورد استفاده قرار گیرد؛ این دستورات در صورت اعمال

معیارها	مفهوم هم‌جوار	کاربرد	استنباط از آیه‌های قرآن
			موجب مغفرت اجتماع می‌گردد (اعراف/۱۶۱)،
شرافت جغرافیایی	ارزش‌گذاری فضایی	اختصاص کاربری‌ها در سکونتگاه‌ها	در بهشت بر نواحی نقاط بر نقاط دیگر شرافت بیشتر داشته و از آن‌ها با نام خاص یاد می‌شود که محل سکنای مردمانی شریف‌تر از دیگران است. کلماتی مانند جنات عدن و جنات رضوان اشاره‌ای به این موضوع می‌باشد. لذا شرط آنکه ارزش‌گذاری مسکنی خوب داشته باشد قرارگیری آن در نقطه‌ای با پیرامون مناسب است (توبه/۷۲).
کارکرد سکونت	فضای قدسی	خانه و شهر اسلامی	خداوند سکنی‌گزیدن با سختی را در فضای قدسی بر سکونت در فضای غیرقدسی ولی رفاه محور ترجیح می‌دهد (کهف/۱۶)، مسکن یکی از چهار خواسته و ضروریات اصلی انسان معرفی می‌شود (طه/۱۱۹).
ارگانیزم سکونت	همسازی با طبیعت	شهر طیب	کلمه «صدق» اشاره به مکانی شایسته دارد (یونس/۹۳). این مکان می‌بایست از واقعیت پیروی کرده که بر طراحی ارگونومیک و نیز نقشه و مکان‌یابی‌های شهری و مسکونی تأثیر مهمی خواهد داشت، خداوند، شهری را که در طراحی آن باغ و بوستان و به‌طور کلی طبیعت دیده‌شده باشد را شهری طیب نامیده و باغی را که در ارتباط با سکونتگاهی باشد، نعمتی الهی برمی‌شمرد (سبا/۱۵، بقره/۳۵)، مکان مناسب که پیوند میان آب (طبیعت)، امنیت و سکونت را نشان می‌دهد (المومنون/۵۰)، خداوند سکونتگاه مناسب را یکی از حقوق پاکان می‌داند (نور/۲۶).

معیارها	مفهوم هم‌جواری	کاربرد	استنباط از آیه‌های قرآن
کالبد	سودمندی	قانونمندی و نظم آرایش شهر و بنا؛ تزئینات عادلانه؛ توسعه افقی شهر؛ چشم‌انداز و ملاحظات اقلیمی	محور انتخاب مسکن و سکونت، جای آن و هدف از ساخت، توفیق عبادت (عنکبوت/۵۶)، در ساخت خانه نباید نمادی از گردنکشی یا سعی بر علو در زمین باشد (قصص/۸۳)، کلمه «تَبَوء» به معنای دادن مسکن دائمی و «غرفه» محل بلندی است که بر اطراف، اشراف داشته باشد (عنکبوت/۵۸)، داشتن غرفه و طبقه بالا، چشم‌انداز بهتر، نور بیش‌تر، هوای لطیف‌تر نیز در نظر گرفته شود (سبا/۱۳؛ زمر/۲۰) قرآن در مقام سرزنش می‌فرماید: در دامنه هر کوهی ساختمان‌های بلند بنا می‌کنید (شعراء/۱۲۸)
سلسله‌مراتب	حضور محرمیت	سلسله‌مراتب شهری و اندام‌های خانه	در نظر گرفتن مراتب برای فضا سازی خانه‌ها و سکونت اسلامی با رعایت حریم خانه‌ها، حریم همسایگی‌ها، درون‌گرایی، پرهیز از اشراف متقابل خانه‌ها و پرهیز از هر نوع مزاحمت هم‌جواری (نور/۲۷ و ۲۸ و ۳۷ و ۶۱؛ بقره/۱۸۹؛ احزاب/۳۳ و ۵۹؛ نساء/۲۳ و ۳۶؛ معارج/۳).
عدالت	مساوات	هم‌جواری مکان‌ها	عدم ایجاد بستر برای طبقاتی شدن جامعه با تفاوت قائل شدن میان توده‌های مردم در توزیع امکانات و ... به محلات خاص (قصص/۴)
وحدت	مرکزیت	هویتی - کالبدی	مرکزیت و وحدت از شاخص‌های برگزیده شدن مکان برتر است. قبله مسلمین خود معیاری برای این عبارت است که هم دارای مرکزیتی معنوی و هویتی نسبت به عالم اسلامی است و هم وحدت‌بخش هویت‌های مکانی دیگر است. این نقش را در شهر اسلامی مساجد و در ملک اسلامی دارالقرآء بر عهده دارد. (آل عمران/۹۶)، (یونس/۸۷)

معیارها	مفهوم هم‌جوار	کاربرد	استنباط از آیه‌های قرآن
هندسه	جهت و تناسبات	نظم مادی در آینه نظم الهی	رعایت هندسه معقول در فضاهای خانه متناسب با مقیاس انسانی (رعایت ارتفاع مناسب) (نازعات/۲۸)، هندسه در اسلام به دلیل پیوند نزدیک با «قدر» در قرآن، اشاره به تقدیر و اندازه‌گیری‌ها در ظرف و وجه خاص است همچنین در ظرف سکونتی (طلاق/۳)، رعایت هندسه و تناسبات نیکو به تبعیت از نظام هماهنگ آفرینش (جهت‌گیری خانه به سمت قبله) (یونس/۸۷).
اخلاق	اصول اخلاقی در سکونت	مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی، درون‌گرایی، نیارش	رعایت اصول اخلاقی مانند پرهیز از هر نوع خودنمایی، تظاهر و اسراف (پرهیز از بیهودگی) در حوزه سکونتی (اعراف/۳۱؛ مؤمنون/۳)، ارج نهادن به حضور مهمان در خانه (مردم‌واری) (مؤمنون/۲۹)، رعایت قناعت و بهره‌گیری از مصالح موجود در دسترس (خودبسندگی) (نحل/۸۰)، ایجاد استحکام و بهره‌گیری از نیارش (نمل/۸۸).
کلیات	عوالم معرفتی	هم‌بافتی سکونتگاه‌های خرد و توده شهری	خانه درون‌گرا چون حصار و ظرفی، جوهر زندگی را محافظت می‌کند و در درون این حصار آب و درخت و انسان فضا را غنا می‌دهند در حالی که بدنه بیرونی همین حصار به شهر تعلق دارد. هر خانه جهانی کوچک است که پوسته خانواده را در برمی‌گیرد.

منبع: (مطالعات اسنادی نگارندگان، ۱۳۹۸)

۲-۳. مفهوم اصطلاحی خانه

هنگامی که سخن از مسکن و خانه به میان می‌آید، گفتاری از هایدگر به ذهن می‌رسد که می‌گوید: انسان با غم غربت به جهان پرتاب شد و به دنبال پیدا کردن خانه‌ای است

که آن را مأمّن خویش قرار دهد. با این نگاه، خانه تنها مکانی برای آرمیدن نیست؛ هرچند نمی‌توان وجود خلاف این مسئله را انکار کرد بلکه نشان‌هایی است که معنایی در خود نهفته دارد؛ کالبدی است که در پس چهره‌اش سخنانی عمیق پنهان است و غم‌ها و شادی‌هایی برای بیرون تراویدن دارد (شصتی و فلامکی، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

خانه از دیدگاه اقتصادی نوعی «کالا»، از دیدگاه هنری «نماد»، از دیدگاه جامعه‌شناسانه «نهاد»، از دیدگاه مهندسی و معماری «بنا» یا ساختمان، از دیدگاه شهرسازی «فضا» و از دیدگاه انسان‌شناختی نوعی «فرهنگ» است که تمام ابعاد مذکور را در بردارد. درک خانه و جایگاه آن در نظام روابط اجتماعی مردم و جامعه نیز با در نظر گرفتن تمامی وجوه نمادین، نهادین، مادی و زیبایی‌شناسانه خانه یا همان «فرهنگ خانه» امکان‌پذیر است (فاضلی، ۱۳۸۶: ۲۷).

مقوله مسکن گسترده و پیچیده است و نمی‌توان تعریف واحدی از آن را ارائه کرد. مسکن یک مکان فیزیکی است و به‌عنوان سرپناه، نیاز اولیه و اساسی خانوار به‌حساب می‌آید. در این سرپناه برخی از نیازهای اولیه خانواده یا فرد مانند خوراک، استراحت و حفاظت در برابر شرایط جوی تأمین می‌شود. مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز دربر می‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری موردنیاز برای به زیستن خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است (پورمحمدی، ۱۳۸۷: ۳).

جدول (۳): دیدگاه‌های پیرامون مسکن و سکونت از منظر صاحب‌نظران

اندیشمندان	سال	تعریف خانه و مسکن
راپاپورت ^۱	۱۹۶۹	خانه در درجه اول یک نهاد است و نه یک سازه و این نهاد برای مقاصد بسیار پیچیده‌ای به وجود آمده است. از آنجا که احداث خانه پدیده‌ای فرهنگی به شمار می‌آید، شکل و سازمان فضایی آن به شدت تحت تأثیر فرهنگی است که به آن تعلق دارد.
مور ^۲	۱۹۷۴	خانه، برای ساکنانش مرکز جهان و برای محلّه‌اش شاخص‌ترین بنا در تحکیم مکان است.
لوکوربوزیه ^۳	۱۹۷۵	خانه، پوششی است که در تطابق با برخی از شرایط، رابطه صحیحی را بین محیط خارج و پدیده‌های زیستی انسان برقرار می‌سازد. در خانه باید فرد یا خانواده زندگی کند؛ یعنی بخوابد، راه برود، دراز بکشد،

1. Rapoport

2. Moore

3. Le Corbusier

اندیشمندان	سال	تعریف خانه و مسکن
		ببیند و فکر کند.
کوپر ^۱	۲۰۰۰	طراحی خانه برای مداخله در وضع روانی انسان‌هاست.
الکساندر ^۲	۲۰۰۲	الکساندر «کیفیت بینام» را در محیط و مسکن مطرح و توصیه می‌کند؛ گوهری را که راه شکل دادن به محیط زندگی را بنا بر فطرت و تجربه‌ی هزاران سال نوع بشر به آنان عرضه می‌کند، همچون اعصار گذشته بیرون کشند، چراکه آن را به فراموشی سپرده‌اند.

منبع: (مطالعات اسنادی نگارندگان، ۱۳۹۸)

۳-۳. مفهوم سبک زندگی و سبک نوین زندگی شهری

در ادبیات جامعه‌شناسی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت و مفهوم‌سازی وجود دارد، یکی مربوط به دهه ۱۹۲۰، که سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به عنوان شاخص تعیین طبقه اجتماعی به کاررفته است (چاپین، ۱۹۹۵؛ چاپین ۱۹۳۵) و دوم به عنوان شکل اجتماعی نوینی که تنها در متن تغییرات مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (گیدنز ۱۹۹۱؛ بوردیو ۱۹۸۴؛ فدرستون ۱۹۸۷ و ۱۹۹۱؛ لش و یوری ۱۹۸۷) و در این معنا سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روزبه‌روز افزایش می‌یابد (ابادری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶).

اگرچه ارائه یک تعریف دقیق و قطعی از سبک زندگی اگر نه غیرممکن، حداقل دشوار به نظر می‌رسد؛ اما با توجه به تعاریف فوق که از سوی اندیشمندان در عرصه سبک زندگی ارائه گردید؛ به نظر می‌رسد تعاریف‌ها باهم تفاوت جوهری ندارند و گزینش عناوینی از تعاریف فوق به‌عنوان جزء اعم تعریف که عبارت‌اند از:

- ۱- فعالیت نظام‌مند بوردیو^۳ (۱۹۸۴) ۲- مجموعه‌ای از عملکردهای گیدنز^۴ (۱۹۹۵) ۳- رسم‌ها، ارزش‌ها و باورها ویر^۵ و مک‌کی^۶ (۱۹۶۹) ۴- الگوی رفتاری و تجلی رفتاری و طرز زندگی ویلن^۷ (۱۹۱۹)، ونزل^۱، لیزر^۲، سوپل^۳ (۱۹۶۹) ۵- الگوی

1. Cooper
2. Alexander
3. Bourdieu
4. Giddens
5. Weber
6. Mackey
7. Veblen

از کنش چنی^۴ (۲۰۰۲) ۶- الگوی خودآگاه ترجیحات فردی کلاکسون^۵ (۱۹۸۵) ۷-
فرآیندهای آدلر^۶ ۸- تجسم تلاش زیمل^۷ (۱۹۰۸) ۹- دارایی‌ها بورديو و لسلی^۸
(۱۹۹۴).

با تجميع تعاریف فوق می‌توان همه آن‌ها را در یک تعریف جامع به‌صورت ذیل
جمع کرد:

«سبک زندگی عبارت است از مجموعه‌ای از کنش‌ها، عملکردها و فعالیت
نظام‌مند از الگوی رفتاری عینی یا ذهنی که فرد یا جامعه بر مبنای پارهای از فرآیندها،
باورها و ارزش‌ها و ترجیحات فردی یا جمعی برمی‌گزینند تا به‌صورت نمادین، او را از
افراد یا گروه‌های دیگر متمایز کند. آنچه با این نماد، نمایانده و موجب تمایز می‌شود،
ممکن است؛ فردیت، هویت جمعی، منزلت اجتماعی، دارایی‌ها یا سازوکار روحی و
عادات فکری باشد» (نگارندگان، ۱۳۹۸).

در اوایل قرن بیستم اندیشمندان به این نتیجه رسیدند که ایده مارکس مبتنی بر
قشربندی جامعه بر اساس طبقه (مبتنی بر روابط اقتصادی) قدرت توضیح کلیه
تحولات اجتماعی و رفتارهای انسان‌ها را ندارد. ویر منزلت اجتماعی را به‌عنوان
شاخص قشربندی جامعه، جایگزین طبقه معرفی کرد. به‌مرور به‌جای تولید، آن‌گونه
که مارکس معتقد بود، مصرف مبنای شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی محسوب
می‌شد. در سال‌های بعد صاحب‌نظران مفهوم سبک زندگی را از طبقه و روابط
اقتصادی زیر سؤال بردند. در حال حاضر برخی از اندیشمندان معتقدند که در
وضعیت مدرن، سبک زندگی حداقل تا حدی از طبقه اقتصادی مستقل است. با بالا
رفتن سطح رفاه عمومی گستره مطالعات سبک زندگی علاوه بر مبحث نیازهای اولیه
بر جنبه‌های ذهنی و نیازهای ثانویه مانند روابط انسانی نگرش‌ها و گرایش‌ها از جمله
(اوقات فراغت) نیز کشیده شد (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۱۲-۱۵).

هم‌زمان با ورود مدرنیته و آغاز دوران تأثیرپذیری از اروپا، ارزش‌های نوینی در
نظام معماری و شهرسازی ایران شکل گرفت. این تغییر ارزش‌های موجود در راستای
تغییر تدریجی نیازهای مردم به وجود آمد. نیاز به شکل‌گیری عناصر و فضاهایی که

-
1. Wenzel
 2. Lazer
 3. Sobel
 4. Chaney
 5. Clockhon
 6. Addler
 7. Simmel
 8. Leslie

نشان‌دهنده خواسته‌های جدید بودند؛ اما متأسفانه به علت ورود یک‌باره مدرنیته به ایران و عدم وجود زمان لازم برای هماهنگ و سازگار شدن آن با سیستم‌های بومی موجود و ارزش‌های این سرزمین تنها برداشتی التقاطی از تفکرات دیگر فرهنگ‌ها به وقوع پیوست. از آنجاکه مدرنیته این فرصت را نیافت تا مسیری آرام و منطقی را برای گذار از سنت به تجدد، طی کند تنها به تقلید از نمونه‌های خارجی که هیچ‌گونه سنخیتی با فرهنگ و ارزش‌های زیستی این مردم نداشت، پرداخت. از این‌رو شکاف عمیقی بین نمونه‌های جدید ساخته‌شده در این دوران با نمونه‌ای پیشین ایجاد شد. شکافی که چالش گذار از سنت (خانه) به مدرنیته (مسکن) را در برمی‌گیرد (سرائی، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۷). در ایران با شروع عصر سرمایه‌داری و تغییر سبک تولید و معیشت، خانه‌ها کم‌کم از حالت افقی به عمودی و از حالت حیاط دار به مجتمع‌های مسکونی و آپارتمانی درآمدند (علی‌الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲: ۲۸).

اجزای مسکن مدرن در قالب پنج بخش خوابیدن، تفریح، خوردن، پخت‌وپز و کار دیده‌شده و دسترسی خانه به فرصت‌های شغلی، ملاقات با دوستان، دسترسی به مراکز گذران اوقات فراغت، دسترسی به مراکز آموزشی، پارک‌ها و مراکز آموزشی و دسترسی به مراکز خرید برای آن ضروری است (پورمحمدی، ۱۳۹۳: ۴).

۳-۴. سبک زندگی شهری و خانه مدرن

هویت‌یابی از طریق انتخاب سبک زندگی یکی از مهم‌ترین دلالت‌های مهم برای مسکن‌گزینی و سبک آن می‌باشد. زندگی در یک محله خاص یا نوع خاصی از مسکن را می‌توان به‌عنوان نوعی از سبک زندگی در شکل‌گیری هویت اجتماعی دخیل دانست.

در مراحل اولیه پژوهش در مورد مسکن، ارزش‌های مرتبط با مسکن مفاهیم مهمی در بیان ترجیحات و سلیقه‌های مردم در انتخاب گونه‌ای خاص از مسکن بودند. کاتلر^۱ (۱۹۷۴) و بیر و همکارانش^۲ (۱۹۹۵) ۱۰ ارزش مهم مسکن را این‌گونه عنوان کرده‌اند:

۱- زیبایی ۲- آسایش ۳- آرامش ۴- محل ۵- بهداشت ۶- علائق فردی ۷- حریم خصوصی ۸- امنیت ۹- فعالیت‌های دوستانه ۱۰- اقتصاد.

از نظر آن‌ها خانه‌ای که هم ارزان باشد و هم قابل سکونت باشد، دارای ارزش

1. Cutler

2. Beyer & et al.

اقتصادی است، درحالی‌که خانه‌ای که به ازای هر نفر یک اتاق خواب وجود داشته باشد، بیانگر ارزش حریم خصوصی است.

در مورد تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای مسکن بر انتخاب نوع مسکن خانواده؛ امروزه شاید بتوان گفت؛ سبک زندگی مهم‌ترین تأثیر را در انتخاب نوع معماری مسکن دارد. یکی از معماران مشهور بنام جیمز ونتلینگ^۱ (۱۹۹۵) می‌گوید: «ما فقط سرپناه ایجاد نمی‌کنیم. ما سازندگان محیط زندگی مبتنی بر سبک زندگی هستیم».

الگوی ساخت مسکن مطابق با فرایندهای فرهنگی به‌طور فیزیکی تغییر می‌کنند. این تغییر فیزیکی منجر به دگرگونی استفاده از مکان، الگوی مسکن و خانه و محیط نزدیک به آن می‌شود. فرآیند تغییرات فرهنگی، انواع مکان و الگوهای مسکن را در یک‌زمان و مکان محدود تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌این‌ترتیب تغییرات فرهنگی مستمر، محیط فیزیکی را تغییر داده و الگوی مسکن و خانه را نیز به خاطر سبک‌ها و آداب مختلف زندگی متمایز می‌سازد.

چوگر معتقد است؛ تغییرات فرهنگی به‌خصوص تغییر از ارزش‌های سنتی و گرایش به سبک زندگی غربی بر الگوی مسکن و طرح‌های مسکونی اثرات متعددی بر جای نهاده است (Turgut, 2001: 51-52). سبک‌های زندگی مختلف وجود دارد. برخی از مردم دائم در حال تحرک و جابجایی هستند و برخی دیگر سعی می‌کنند کمتر محل زندگی خود را تغییر دهند. همچنین سبک زندگی افراد بر اساس سکونت آن‌ها در نواحی اقماری و کلان‌شهرها متفاوت خواهد بود. برخی از مردم دارای سبک زندگی سنتی و برخی دیگر سبک زندگی مدرن دارند. وندل بل^۲ (۱۹۶۸) سه نوع متفاوت از سبک زندگی شهری را این‌گونه عنوان می‌کند:

۱. سبک زندگی شغل محور؛ که در این نوع از سبک زندگی نزدیک بودن به محل کار و صرف زمان کمتر برای رسیدن به محل کار حائز اهمیت می‌باشد.
 ۲. سبک زندگی خانواده محور؛ که تأکید بر فضای لازم برای فعالیت‌های خانوادگی و زمان کافی برای سپری شدن در خدمت خانواده دارد.
- سبک زندگی مصرف‌گر؛ که بر داشتن جدیدترین کالاها و خدمات تأکید می‌کند. اکثر افراد و خانواده‌ها سبک‌های زندگی مختلفی را به‌صورت ترکیبی مورد استفاده قرار می‌دهند، تا سبک زندگی منحصر به فردی برای خود ایجاد کنند.
- در طراحی خانه‌های معاصر در نظر داشتن واقعیت‌های اقتصادی - اجتماعی با

1. Wentling

2. Wendell Bell

تأثیر مستقیمی که بر زندگی پایدار دارند، ضروری است. عمده‌ترین آن‌ها دگرگونی خانواده است. برای مثال آمار نشان می‌دهد که والدین مجرد، افراد مجرد و سالمندان نسبت به نیم‌قرن پیش، درصد بیشتری از جمعیت را تشکیل می‌دهند. اگر به دنبال خلق جوامع پایدارتر هستیم، معرفی مفاهیم کاربردی به منظور طراحی که متناسب با روش‌های جدید زندگی و روند جمعیتی معاصر باشد، ضروری است (فریدمن، ۱۳۹۶: ۴۳).

برمن به درستی بر این نکته تأکید می‌کند که مدرن بودن یعنی زیستن یک زندگی سرشار از معما و تناقض؛ یعنی غالباً تخریب اجتماعات و ارزش‌ها به جای کنترل آن‌ها. جنگیدن به قصد تغییر جهان و تصاحب آن و اما پسامدرن به تعبیر لیوتار در همان خط و روندی که برمن دیده است، به انسان‌هایی مربوط می‌شود که قدرت آن‌ها هرچه بیشتر توسعه می‌یابد و درعین حال ناچار به بندگی و اطاعت، هرچه بیشتر هستند. مدرنیته و در تداوم آن پسامدرنیته با ایجاد سوژه عامل و با قرار دادن او در موقعیتی ولو شکننده اما تأثیرگذار فرآیندی دوجانبه از اسارت/ قدرت را به وجود آوردند که هرچند موقعیتی بسیار خطرناک و گاه حتی ناامیدکننده است، اما درعین حال پتانسیل‌های زیادی را نیز دارد (فکوهی، ۱۳۸۷: ۱۴۴-۱۴۵). متأسفانه در زندگی امروز نوعی تحول و انفصال در جسم و جان معماری خانه‌ها پدید آمده که پیوستگی و ژرف معنایی حیات را خدشه دار کرده و روح زندگی جاری در خانه را متلاطم ساخته است (کریمی، ۱۳۹۵: ۹۹). درواقع خانه‌ای که تعادل خود را به واسطه حرکت‌های اجتماعی - فرهنگی حفظ کرده بود، ناچار از قبول یک حرکت جدید و غیرمترقبه بود.

فاضلی (۱۳۸۶) مؤلفه‌هایی را برای خانه‌های مدرن مطرح کرده است که در جدول زیر این مؤلفه‌ها نشان داده شده است.

مدرنیته به اشکال مختلف از فرم، کارکردها، درون خانه و فضای پیرامونی آن و در ارتباط با محله، شهر و جامعه سنت زدایی می‌کند و سبک و شیوه زندگی را به‌طور کلی تغییر می‌دهد. ارزش‌ها و ساختارهای کلی فردی و جمعی، حریم‌ها، روابط همسایگی و روابط اجتماعی و... را محدود می‌کند؛ همچنین رفته‌رفته اهمیت مکان را هرروز می‌کاهد و به «فضا» (فضای مجازی ساخته شبکه‌های اینترنتی و تکنولوژی‌های دیجیتالی و ارتباطی) اهمیت بیشتری می‌دهد.

جدول (۴): مقایسه ویژگی‌های خانه‌های سنتی و اسلامی و مدرن بر اساس

مؤلفه‌هایی خانه‌های مدرن

معیارها	ویژگی‌های مسکن سنتی و اسلامی	ویژگی‌های مسکن مدرن
عقلانیت	عقلانی و امروزی شدن خانه، داشتن هویت تاریخی، ثبات و انتقال بین نسلی، خانه به‌عنوان میراث خانواده، مبتنی بر خانواده گسترده، دارای نشانه و رنگ.	بریدن خانه از گذشته و تاریخ از یک‌سو و هماهنگ شدن با شرایط زمان حال، استفاده از مصالح و تکنولوژی امروزی، موقتی بودن خانه، مبتنی بر خانواده هسته‌ای، کوچک بودن، حداکثر استفاده از فضا، فاقد نشانه بودن.
شهری شدن	خانه در ارتباط با خود، هویت منحصر به فرد خانه‌ها، خانه مرتبط با حافظه ملی، فردی، تاریخی، خانه دارای کارکردهای سنتی از قبیل محل غذا خوردن، محل تفریح و آسایش، محل ملاقات و میهمانی، محل جشن‌ها و برگزاری آیین‌ها و محل کار و البته تولید را دارا است.	خانه به‌منزله جزء کوچکی از شهر و در ارتباط با شهر، هویت یکدست خانه‌ها، بی‌هویت بودن خانه، خانه تمامی کارکردهای سنتی خودش را به شهر و دیگر نهادهای اجتماعی واگذار کرده و صرفاً تبدیل به محلی برای خواب شده است.
عرفی شدن	خانه حامل ارزش‌های مدرنیته دینی و باورهای اسطوره‌ای و متافیزیکی، خانه دارای نمادهای مذهبی از قبیل گنبد، رنگ فیروزه‌ای، روبه‌قبله ساختن، استفاده از کاشی‌های منقش به آیات قرآنی.	خانه از نمادها و نشانه‌های متافیزیکی خالی می‌شود، محدود شدن نشانه‌های مذهبی به مساجد و اماکن مذهبی.
جهانی/محلی شدن	ناهمگنی فرهنگ خانه، کاهش اهمیت مکان.	همگنی فرهنگ خانه، افزایش اهمیت فضا.
فردی شدن	فقدان فضاهای خصوصی در خانه، سایه فرهنگ مردسالارانه بر خانه.	میل به داشتن خانه شخصی مستقل و جدایی‌گزینی از خانواده و خانه پدری، تخصیص یافتن فضای خصوصی به هریک از افراد خانه، اهمیت یافتن کارکرد حریم خصوصی، تنوع یافتن سبک‌های دکوراسیون و آرایش منزل و محدود شد روابط همسایگی.
دموکراتیک شدن	خانه به‌عنوان مفهومی نابرابر، «خانه پدری» بیانگر خصلت مردسالارانه خانه، خانه در مدیریت و مالکیت پدر.	بازتر شدن قلمرو حریم خصوصی و تغییر جنسیت خانه، برداشته شدن دیوارهای آشپزخانه، قابل‌رؤیت بودن

معیارها	ویژگی‌های مسکن سنتی و اسلامی	ویژگی‌های مسکن مدرن
		اتاق‌ها، برداشته‌شدن اندرونی و بیرونی، تخصیص یافتن اتاق شخصی به دختران و پسران به یک نسبت، افزایش پنجره‌ها و گشودگی به فضاهای بیرون.
رسانه‌ای شدن	تأثیر رسانه در از بین رفتن حریم خصوصی.
تجاری شدن	ساخت و طراحی توسط فرد، معماری خانه متناسب با ارزش‌های فرهنگی و ذائقه زیبایی‌شناختی.	ساخت و طراحی توسط بنگاه‌های سازوبفروش یا سازمان‌ها، معماری برای جذب مشتری.
بروکر اتیک شدن	دولت‌ها نقشی در زمینه خانه‌سازی نداشتند و خانه، بیش از هر چیز مقوله و امری خصوصی تلقی می‌شد.	سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان دولت و شهرداری‌ها در زمینه فضاهای شهری، خانه‌سازی و تولید انبوه، نقش مؤثری در چگونگی فرهنگ خانه معاصر داشته و دارد.

منبع: (با اقتباس از فاضلی، ۱۳۸۶)

تاکنون عوامل مختلفی در شکل‌گیری الگوی مسکن یک محل تأثیرگذار بوده‌اند که به دلیل ارتباط محکم و پیوسته میان آن‌ها با تحول هر یک از این عوامل در هر مقطع تاریخی، سایر عوامل نیز متحول شده و درنهایت دگرگونی الگوی مسکن را سبب شده‌اند؛ زیرا عوامل مؤثر بر تحول مسکن دارای شاخصه‌ها و ویژگی‌های متغیر در طول زمان بوده و با مرور زمان شاخصه‌هایی جدید و متفاوت با گذشته پیدا کرده‌اند. در این بخش با معرفی عوامل مؤثر بر تحول الگوی مسکن سعی بر شناخت نحوه تأثیر آن‌ها در تغییر الگوی مسکن شده است.

الف - فرهنگ و هویت: عامل فرهنگ و درک انسان‌ها از جهان و حیات، نقش بسیار مؤثری در مسکن و سازمان تقسیمات فضایی آن داشته است. اعتقادات مذهبی هر جامعه و تنوع آن در طول تاریخ نیز بیانگر بسیاری از جهت‌گیری‌های انسان جامعه مذهبی در برخورد با موضوع مسکن است. مسائلی همچون حریمیت، درون‌گرا بودن، تقدس آستانه ورودی خانه و استفاده از کاشی‌های منقش به آیات قرآنی همگی نشان‌دهنده باورهای مذهبی انسان هستند (نقره‌کار، ۱۳۸۷: ۵۳۱-۵۳۴).

ب - اقتصاد: خانه از دیدگاه اقتصادی نوعی کالا است و به‌عنوان یک کالای اقتصادی دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر کالاها متمایز و تحلیل عرضه و

تقاضا و بازار آن را پیچیده می‌کند. از یک‌سو، مسکن کالای مصرفی است که پس از غذا و پوشاک مهم‌ترین نیاز اساسی بشر است و گران‌ترین کالای ضروری خانوار تلقی می‌شود و از سوی دیگر، به‌عنوان کالای غیرمنقول بادوام، کالایی سرمایه‌ای است که سرمایه‌گذاری در آن، بزرگ‌ترین بخش دارایی خانوار به شمار می‌رود و علاوه بر خانوار، برای بنگاه‌های اقتصادی نیز جذابیت بالایی دارد (ناجی میدانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۶۲). متأسفانه این امر سبب شده است؛ خانواده‌ها با الزامات اقتصادی و دشواری‌های زیستی فراوانی که به‌خصوص امروزه با آن مواجه می‌شوند، مجموعه نیازهای خود را در مسکنی برآورند که به‌واقع حداقل سطح موردنیاز سکونت را دارا است و در پاسخ‌گویی به نیازهای ساکنانش ناتوان هست.

پ- تکنولوژی: شناخت و تعیین درجه و میزان برخورداری از دانش فنی هر جامعه از موارد مهم تجزیه و تحلیل هر جامعه است. چراکه نوآوری‌های تکنولوژیکی در توسعه جمعیت‌ها، فرهنگ‌ها، ساختارهای اجتماعی و تولیدات مادی تأثیرات فراوانی دارند (مهرآیین، ۱۳۸۹: ۱۴). خانه نیز که از دیدگاه مهندسی و معماری، بنا یا ساختمان است؛ از جهت ساخت و حتی نوع روابط فضاهای داخلی خانه متأثر از تکنولوژی در هر دوره تاریخی بوده است.

ت- روابط اجتماعی: علاوه بر تحولات اجتماعی نظیر افزایش جمعیت و مهاجرت که بر سازمان‌دهی سکونتگاه‌ها در شهر و روستا اثر گذاشته است؛ سایر تحولات اجتماعی بر ساختار درونی خانه‌ها تأثیرگذار بوده‌اند؛ بنابراین تأثیرگذاری عامل اجتماعی در مسکن را می‌توان به دو بخش کمی و کیفی تقسیم‌بندی کرد. در بخش کمی شاخص‌های کمی مانند تراکم، بعد خانوار، تسهیلات، خدمات و در بخش کیفی خصوصیاتمانند نوع و زمان ارتباط اعضای خانواده، شیوه ملاقات با دیگران، حضور زنان در جامعه و میزان و چگونگی ارتباط مرد و زن در بیرون از خانه و درون آن در شکل‌گیری مسکن هر دوره تاریخی مؤثر بوده‌اند.

ث- سیاست: یکی از عواملی که همواره در تحولات مسکن به‌خصوص پس از رشد جمعیت شهرها تأثیرگذار بوده است سیاست‌هایی است که در دولت‌ها برای ساخت مسکن اتخاذ و پیگیری می‌شود. سیاست‌هایی چون تشویق و تدوین ضوابط و مقررات خاص جهت ساماندهی بافت‌های مسکونی مانند اعطای تسهیلات بدون سپرده یارانه‌ای برای ساخت، خرید و مرمت واحدهای مسکونی، تخفیف هزینه صدور پروانه و تراکم پایه و مازاد و... (ایزدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱). آنچه از مطالعه

در روند تغییر عوامل ذکر شده برمی‌آید این است که تمامی عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و تکنولوژی بر یکدیگر تأثیر گذاشته و مجموعه تأثیرات متقابل آن‌ها بر الگوی مسکن در هر دوره و تحول آن اثرگذارند.

۳-۵. آینده پژوهی

آینده پژوهی، اصول و روش‌های مطالعه و سپس تصمیم‌گیری، طرح‌ریزی و اقدام در خصوص علوم و فناوری مرتبط با آینده است. آینده پژوهی، تفکرات فلسفی و روش‌های علمی و مدل‌های مختلف بررسی و مطالعه‌ی آینده را مطرح و با استفاده از آن‌ها، آینده‌های بدیل و احتمالی را ترسیم می‌نماید. لذا، آینده پژوهی، ابزاری برای معماری و مهندسی هوشمندانه آینده است (Gordon & Glenn, 1993: 150). به دلیل تنوع موضوع‌های مطرح در آینده پژوهی، بهتر است به جای رشته‌ای مستقل، آن را حوزه‌ای چندرشته‌ای یا فرا رشته‌ای بنامیم (نجاریان، محمودنیا، زرغامی و یمینی، ۱۳۹۱). با این‌همه، هر نامی که برای آن برگزینیم، آینده پژوهی امروز نه تنها وجود دارد بلکه در شکل‌گیری آینده‌ی بشر نیز نقشی مهم ایفا می‌کند. حوزه‌های موضوعی بالقوه در آینده پژوهی، از نظر تعداد با شمار پدیده‌های متنوع موجود در جهان برابری می‌کنند. بنابراین آینده پژوهی الزاماً چندرشته‌ای یا فرارشته‌ای است؛ این حوزه هم موضوع‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد و هم کارشناسانی را در خود جای داده است که در رشته‌های مختلف آموزش دیده‌اند. در واقع، حوزه‌ی فرا رشته‌ای آینده پژوهی و تخصص آینده پژوهان قلمرو و مرز مشخصی ندارد. عمل‌گرایی آینده پژوهان، آن‌ها را ترغیب می‌کند تا وابستگی‌های متقابل و پیچیده‌ی پدیده‌ها را به یکدیگر در محاسبات خود مورد توجه قرار دهند و نتایج هر اقدام (اجتماعی) را با رویکردی کل‌نگرانه ارزیابی کنند. از این‌رو، آینده پژوهان هر دانشی را از هر حوزه‌ای اگر بر پدیده‌ی در حال بررسی تأثیرگذار باشد، مطالعه خواهند کرد. آینده پژوهی به‌رغم ماهیت فرارشته‌ای خود، از ویژگی‌هایی برخوردار است که به‌ناچار آن را در زمره‌ی علوم اجتماعی قرار می‌دهد علمی اجتماعی، وحدت‌آفرین و فرارشته‌ای. البته برخی مطالعات آینده پژوهی به موضوع‌هایی نظیر تغییرات مبتنی بر فناوری می‌پردازند؛ موضوع‌هایی که در نگاه اول چندان اجتماعی به نظر نمی‌رسند اما حتی در این قبیل پژوهش‌ها نیز تقریباً همیشه، ملزومات یا پیامدهای اجتماعی چنین تغییراتی مورد توجه قرار دارند؛ تقریباً همیشه ملزومات یا پیامدهای روان‌شناختی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی در سطح جامعه مدنظر قرار می‌گیرند (Bell, 2003: 2).

به بیان دیگر، آینده پژوهی گرچه بدون تردید از جنبه‌های اجتماعی برخوردار است و در جایگاهی یک علم، بیشتر رنگ و بوی اجتماعی دارد اما الزاماً فرارشته‌ای و وحدت آفرین نیز هست. برای پاسخگویی به نیازهای اطلاعاتی نقش آفرینان اجتماعی باید دانش‌های نامتجانس نظیر دانش‌های زیستی و فیزیکی در قالب بسته‌هایی ترکیبی و کل نگر و با طرحی ویژه، بازآرایی شوند؛ به گونه‌ای که بتوان از آن‌ها کاملاً متناسب با شرایط معین تاریخی حاکم بر اهداف برنامه‌ریزی بهره گرفت.

سناریو یکی از تکنیک‌های مربوط به روش آینده نگاری است که به دلیل ساختار داستان گونه، قدرت درک آن برای رهبران و مدیران سازمان‌ها ساده و آسان است. سناریو به عنوان وسیله‌ای شناخته می‌شود که آینده‌ی محتمل را می‌توان بر اساس آن کنترل نمود؛ و آن‌ها باید قابلیت تحقق داشته باشند و هر آینده محتملی را نمی‌توان به عنوان سناریو قلمداد کرد. این موضوع به این معنی است که سناریوها باید جوری طراحی شوند که اتفاق افتادن آن‌ها ممکن باشد و چگونگی اتفاق آن‌ها مشخص باشد و بیان شود که چه تأثیری برای تصمیمات برنامه‌ریزی خواهد گذاشت (Bell, 2003: 32).

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها (CLA) در تلفیق با سناریونویسی انجام شده است. روش CLA در رده روش‌های کیفی با رویکرد اکتشافی قلمداد می‌شود. مبنای نگارش سناریوهای بدیل، استعاره‌ها خواهند بود و به عنوان ابزاری است برای رمزگشایی و عمیق کردن سناریوها. معمولاً اکثر روش‌های آینده‌پژوهی در سطحی‌ترین لایه‌ها باقی مانده و کمتر به عمق پدیده‌ها نفوذ می‌کند. کاربرد روش CLA بیشتر این است که با ایجاد فضاهای دگرگون شونده، زمینه لازم برای خلق آینده‌های بدیل را فراهم می‌نماید. تحلیل لایه‌ای علت‌ها، روشی شده است که ماهیت گذشته، حال و آینده را جستجو می‌کند. با این حال، این روش ابزاری برای پیش‌بینی آینده نیست. بلکه یک تحلیل منطقی است که از آن برای باز کردن مسئله و سبب‌های آن در حال و آینده استفاده می‌شود؛ بعداً این مرحله، آینده‌های بدیل می‌توانند خود را نشان دهند. تحلیل لایه‌ای علت‌ها، به عنوان روندی سودمند بوده است که در آن شرکت‌کنندگان، سعی داشته‌اند تا در موضوع ژرفا ایجاد کنند و نکاتی را شناسایی کنند که با استفاده از آن‌ها بهتر وارد مسئله شوند. این کار، باعث می‌شود از چارچوب‌های متعارف صورت‌بندی مسائل خارج شده و تحلیل در لایه‌های

بیشتری مدنظر قرار گیرد.

از آنجایی که شالوده‌ی نظری تحلیل لایه‌ای علت‌ها، مبتنی بر پساساختارگرایی است، این رویکرد شکل لایه‌ای به خود می‌گیرد و شامل چهار لایه‌ی اصلی است که اطمینان می‌دهد، اجرای نتایج، مطابق با چهار لایه‌ی سازنده‌ی «واقعیت» خواهد بود. این لایه‌ها عبارت‌اند از: لایه‌ی لیتانی؛ نخستین سطح تحلیل در روش تحلیل لایه‌ای علت‌هاست که در این سطح، لایه‌ی ظاهری موضوع موردنظر مطالعه و بررسی می‌شود. لایه‌ی نظام‌های علی: روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها با عبور از لایه‌ی اول، به سرعت وارد لایه‌ی دوم یعنی لایه‌ی نظام‌های علی می‌شود و به واکاوی ریشه‌های مسئله موردنظر در این لایه‌ها می‌پردازد. این مرحله نمایانگر شاهی بر ادعای ارائه‌شده در لایه‌ی قبل است. لایه‌ی گفتمان / جهان‌بینی: در این سطح، یافتن ساختارهای عمیق‌تر پشت موضوع و نیز بازتعریف مسئله بسیار مهم و حیاتی است. در این سطح شالوده‌های نمایش سطح لیتانی مورد نقد و پرسش قرار می‌گیرند. لایه‌ی اسطوره / استعاره: در این لایه که عمیق‌ترین و خلاقانه‌ترین سطح کار است، به دنبال استعاره‌های پنهان در متن است. در پژوهش حاضر، با استفاده از مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته با متخصصین، به بررسی وضع موجود مفهوم خانه در چهار لایه‌ی تحلیل لایه‌ای علت‌ها پرداخته‌شده و سپس با شروع از عمیق‌ترین لایه یعنی اسطوره / استعاره به تبیین استعاره‌های بدیل برای مفهوم خانه از دیدگاه متخصصان پرداخته‌شده است. در قسمت دوم با حرکت از عمیق‌ترین لایه به گفتمان / جهان‌بینی‌هایی که از استعاره‌های بدیل حمایت می‌کنند، پرداخته‌شده و در مرحله بعد، برمبنای گفتمان / جهان‌بینی‌های بدیل به تبیین علل کلان اجتماعی بدیل پرداخته‌شده است. در انتها نیز، سناریوهایی در راستای این تحلیل‌ها تبیین شده و برای اعتبارسنجی سناریوها، مجدداً سناریوها به افراد متخصص ارائه گردید و تعدیلاتی در آن‌ها اعمال شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر؛ شامل نخبگان و متخصصین امور شهری در حوزه مسکن و برنامه ریزی مسکن شهری هستند. در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختاریافته برای دستیابی به داده‌های اولیه، استفاده گردید. نحوه انتخاب افراد بر اساس درجه تخصص در امور شهری و شناخت از سیر روند قدیم تا به حال مسکن در ایران بوده استبرای دستیابی به اطلاعات مرتبط با لایه‌های چهارگانه تحلیل لایه‌ای علت‌ها شامل لایه‌ی مشهود مسئله، علل کلان اجتماعی و همچنین جهان‌بینی / گفتمان و استعاره / اسطوره‌هایی که از وضع موجود پشتیبانی می‌کنند؛ ضمن مطالعه ادبیات موضوع برای طراحی سؤالات اولیه مصاحبه، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند به

متخصصین موضوع که بیشترین درگیری را با موضوع مطالعه دارند، مراجعه و پس از تشریح روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها برای این افراد با آنان مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته انجام شد. معیار موردنظر برای انتخاب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل آگاهی داشتن و فعال بودن در زمینه موردبحث بود. همچنین، بعضی از مصاحبه‌شوندگان به‌طور اختیاری افراد خبره دیگری را برای انجام مصاحبه پیشنهاد دادند که خود گویای روش نمونه‌برداری گلوله برفی می‌باشد. ملاک حجم نمونه را کفایت، تئوریک و اشباع نظری موضوع تعیین نموده است. به‌طور سنتی، یکی از دغدغه‌های رویکرد موردکاوی سنجش اعتبار نتایج آن است. در پژوهش کیفی، سنجش اعتبار به معنی درجه شباهت نتایج با واقعیت است. با توجه به مورد مناقشه بودن سنجش پایایی در پژوهش‌های کیفی ۱. با اتکا بر ادبیات موضوع و مقایسه یافته‌ها با آن ۲- طراحی دستورالعمل مصاحبه و برگزاری مصاحبه‌ها به‌صورت نیمه ساختاریافته ۳. به‌کارگیری فرآیند مدون برای ثبت، ضبط و تحلیل داده‌ها ۴. نمونه‌گیری نظری و ۵. ارائه یافته‌های پژوهش به ۳ نفر از خبرگان دانشگاهی اعتبار و پایایی پژوهش مهیا گردیده است.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. کاربرد روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها در واکاوی مفهوم خانه

متناسب با سبک نوین زندگی

پرسش اصلی تحقیق این است که چه انگاره‌هایی از خانه در سبک نوین زندگی شهری وجود دارد و سناریوهای محتمل آن برای آینده‌های بدیل کدام‌اند؟ در ابتدا قبل از پرداختن به هدف اصلی پژوهش حاضر در قسمت یافته‌های تحقیق، با این مقدمه که در ایران با شروع عصر سرمایه‌داری و تغییر سبک تولید و معیشت، خانه‌ها کم‌کم از حالت افقی به شکل عمودی و از حالت حیاط دار به مجتمع‌های مسکونی و آپارتمانی درآمدند. روند ورود نوگرایی به ایران با ظاهرنگری شروع شد، در نتیجه بیشتر تغییرات را در نما و تزئین‌ها می‌توان دید. در درجه دوم فرم پلان‌ها، عملکردی مدرن به خود گرفت. در مسیر این تحولات مصالح مورد استفاده در این بناها نیز اندک‌اندک عوض شدند. با ورود مفاهیم جدید، پلان‌ها نیز دچار دگرگونی شدند. در کنار این تغییر می‌توان به تغییر در «طبقه» اشاره کرد. دومین عامل تأثیرگذار، افزایش طبقات بنا بود که باعث اضافه شدن فضاهای جدید به خانه شد.

همچنین در ساختمان‌های مدرن، حیاط به طبقات بالا منتقل شده و به صورت بالکن و تراس درآمد است، حتی استفاده از اجزاء تزئینی که قبلاً فراوان در ساختمان‌های ایرانی استفاده می‌شد، تحت تأثیر این دگرگونی قرار گرفت.

با پیشرفت تکنولوژی و ابداع بتن، فولاد، انواع مصالح ساختمانی و تغییر در سیستم‌های ساختمانی شکل خاصی از مساکن به وجود آمد. روابط و تقسیم‌بندی بخش عمومی و خصوصی، شب و روز و فضاهای خشک و تر به هم نزدیک شدند. حمام و توالت در سازمان فضایی خانه جایی در کنار اتاق‌های خواب یافت و آشپزخانه‌های قدیمی و تاریک جای خود را به فضاهای بهداشتی و کاربردی آشپزخانه دادند. گسترش الگوهای معماری و خانه‌سازی صنعتی، با جایگزینی شیوه ساخت جدید، نوعی همگن‌سازی خانه را به وجود آورده‌اند. به طوری که شباهت‌های بین شهرهای بزرگ دنیا از نظر ساختمان‌ها و فضاهای شهری قابل درک است. چراکه در همه آن‌ها آپارتمان‌ها و برج‌های سر به فلک کشیده و بناهای مکعبی و مستطیلی با مصالح سنگ، شیشه، سیمان و آهن به چشم می‌خورد. همچنین تسلط یافتن ماشین‌آلات مربوط به آشپزخانه، دگرگونی اساسی در فضاها را به وجود آورده است. با رشد صنعت ساخت و دکوراسیون، دیوارها برداشته شد و فضاهای باز جای سبک سنتی را گرفت، حضور پنجره‌ها در جبهه بیرونی خانه، ناماسازی را متنوع و برون‌گرایی را تقویت کرد. با توسعه شهرنشینی نیز، خانه بسیاری از کارکردهای سنتی‌اش مانند محل میهمانی و ملاقات، محل جشن‌ها، محل کار و تولید، همه چیز به جز محل خواب را به فضاهای شهری منتقل کرده است. در خانه‌های امروزی ایران به درون‌گرایی و حفظ حرمت‌خانه و خانواده توجهی نمی‌شود، دید به داخل خانه‌ها، امنیت روانی خانواده‌ها را از بین برده و جدایی اتاق‌های والدین و فرزندان، میان محرمان خانه مرز و جدایی انداخته است، جدایی که متأثر از تحولات مدرن است و ریشه سنتی ندارد، تفکیک فضاهای خواب از فضای خوردن و انجام فعالیت‌های روزمره نیز از ویژگی‌های خانه امروزی محسوب می‌شود. از بین رفتن حریم و وجود اشراف و در نظر نگرفتن آن، حذف قسمت یا تمامی دیوار حیاط، عدم وجود فضاهای نیمه‌خصوصی و نیمه عمومی و حذف فضاهای بینابین، بلندسازی نامناسب و عدم نور و تهویه مناسب، ارتباط مستقیم با شهر از نمودهای مسکن معاصر است. تبدیل شدن شهر سنتی به شهر مدرن باعث ایجاد یک دگردیسی در معماری شد. احداث خیابان‌ها و میدان‌های جدید به نمای بیرونی ساختمان‌ها اهمیت بخشید. استفاده از فرم‌های مدور، پنجره‌های پیش آمده کمانی، بالکن‌های کمانی وارد طرح خانه‌ها و

آپارتمان‌های تجاری - مسکونی شد. اتاق‌های خواب رو به جنوب و دارای بالکن‌ها و تراس‌های قابل‌استفاده، قرار دادن فضای هال که به‌جای نشیمن طراحی شده است و مستقیماً در ارتباط با آشپزخانه و از طرف دیگر به ورودی اصلی مربوط می‌شود. عدم وجود سلسله‌مراتب فضایی و ارتباط مستقیم بیرون با درون یکی دیگر از ویژگی‌های بارز در خانه‌های مدرن است. به‌طور کلی؛ کوچک بودن، ساده بودن، حداکثر استفاده از فضا، فاقد نشانه و رنگ از اثرات مدرنیته بر تحول مسکن می‌داند. علاوه بر این تراکم، انبوه‌سازی، همسان و هم‌شکل‌سازی با استانداردسازی از آثار مدرنیسم بر تحولات مسکن است؛ زیرا پیشرفت‌های تکنولوژی به‌ویژه در حمل‌ونقل، ذخیره‌سازی مواد و بلند کردن اجسام سنگین و آسانسور و غیره اجازه می‌دهد، میلیون‌ها آدم در شهرها متراکم شوند، شهرها با ساختمان‌های بسیار بلند و متراکم ساخته شود، ماشین اجازه می‌دهد که از هر وسیله‌ای هزاران بلکه میلیون‌ها ساخته شود و همه چیز هم‌شکل می‌شود.

پژوهش حاضر با این دیدگاه که مفهوم خانه و مسکن در سبک نوین زندگی شهری متحول شده و هر روزه مفهومی نوین می‌یابد. گاهی در عمل در حد یک سرپناه تنزل یافته و گاهی در مبانی نظری فراتر از یک سرپناه بوده و برای آن روح و احساس در نظر می‌گیرند و نظر به این که خانه به یک مفهوم در حال تحول و گذار مبدل شده است و این در حالی است که خانه‌های سنتی در ایران در برقراری ارتباط مناسب با سبک زندگی ایرانی به نظر موفق بوده و در پی این امر، کیفیت، محیط‌های مسکونی مضاعف بوده است؛ به‌منظور واکاوی تغییر مفهوم خانه متناسب با سبک نوین زندگی شهری، بر اساس روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها این موضوع در چهار سطح لیتانی، علت‌های نظام‌مند، جهان‌بینی یا گفتمان و اسطوره/ استعاره مورد تحلیل قرار گرفته و عواملی که در چهار سطح بر مسئله تغییر مفهوم خانه متناسب با سبک زندگی شهری، تأثیرگذار می‌باشند، واکاوی و مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس مطالعات صورت گرفته پیرامون موضوع پژوهش و نتایج مصاحبه‌ها در لایه اول و در ارتباط با مسائل مشهود مفهوم خانه در شهرهای معاصر، آنچه مورد اجماع است، تغییر بسیار، مفهوم خانه است. تغییر خانه به آپارتمان، مجتمع‌های بلند مسکونی و سایر اشکال، نشان از تغییر بسیار در مفهوم و کارکردهای آن دارد. داده‌ها و اطلاعات و داده‌های کمی و کیفی بسیاری در دسترس قرار دارد که بیانگر تغییرات و تحولاتی اساسی در خصیصه‌های مسکن شهری هستند و از حیث تجربی نیز می‌توان آن‌ها را تأیید کرد. اینکه چرا چنین تحولی ایجاد شده است و چه عواملی در بروز آن مؤثر

بوده‌اند، اساساً باید در لایه‌های عمیق‌تر (ناظر به لایه اجتماعی)، جستجو گردد. در لایه دوم، دامنه تأثیر و روابط عناصر تشکیل‌دهنده مفهوم خانه در سبک نوین زندگی شهری گسترش می‌یابد. در پاسخ به این سؤال که چگونه مفهوم خانه تغییر کرده و کدام علت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، قانونی و کالبدی مسبب تغییر شدند؛ زمینه‌های مفهومی این عوامل معرفی می‌شوند. تغییر مفهومی خانه به‌عنوان یک کالای اقتصادی حاصل فرصت شناسی و تلاش برای تعمیق این فرصت‌ها برای بیشینه‌سازی صرفه‌های اقتصادی و پاسخ به نیازهای اجتماعی - فرهنگی - کالبدی است که به‌موازات این تغییر مفهومی، بسترهای بروز خود را نیافته‌اند. لذا محدودیت‌های فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و ... در توسعه مفهومی خانه به‌صورت بارزی به چشم می‌خورد. جدول شماره ۵ عوامل کلان و مسائل زمینه‌ای تغییر مفهوم خانه را در سبک نوین زندگی شهری نشان می‌دهد.

جدول (۵): عوامل و مسائل مؤثر بر تغییر مفهوم خانه در سبک نوین زندگی شهری

عوامل مؤثر	مسائل زمینه‌ای تغییر مفهوم خانه
اجتماعی - فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ عدم بسترسازی فرهنگی تبدیل خانه به آپارتمان و زندگی جمعی در مجتمع‌های مسکونی، فضاهاى مشترک موجود در مجتمع‌های مسکونی نظیر آسانسور، راه‌پله و ... و نبود بستر فرهنگی استفاده از آن، کاهش شدید سطح تعاملات اجتماعی همسایگان، بسترهای فرهنگی آپارتمان‌نشینی به‌موازات توسعه این‌گونه سکونت رشد داده نشده‌اند (مثلاً مشکلاتی نظیر محل زباله‌ها، کنترل سروصدا، عدم کنترل نکات امنیتی درب اصلی، رعایت حریم همسایه در اوقات استراحت و...)، کاهش سطح امنیت اجتماعی و تمایل به زندگی در مجتمع‌های آپارتمانی به دلیل وجود سیستم نگهبانی و ... ، فردگرایی و حس تنوع‌طلبی که افراد را به سمت تعویض راحت یک‌خانه سوق می‌دهد. با وجود اهمیت بسیار شریعت در شکل دادن به مفهوم خانه، از این بعد غفلت شده است و لذا بسیاری از مشکلات به وجود آمده که با فرهنگ ما ناسازگار بوده است، عمق گرفته‌اند.
اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ تبدیل مفهوم خانه به‌صورت یک کالای اقتصادی (سرمایه‌ای) و درآمدزا و نه به مفهوم مکانی برای آرامش (شرایط ناامن اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها) به دلیل صرفه‌های اقتصادی، بسیاری از کارکردهای ضروری خانه نظیر پارکینگ حذف‌شده‌اند.
فناوری	<ul style="list-style-type: none"> ▪ ورود اتومبیل و تغییر شرایط خدمات‌رسانی خانه (با اتومبیل در زمان کمی می‌توان برخی خدمات جانبی خانه را در دسترس سریع قرار داد)، فضاهاى مسکونی فاقد رنگ است، خانه‌ها یکرنگ با گرایش به رنگ خاکستری شده‌اند،

عوامل مؤثر	مسائل زمینه‌ای تغییر مفهوم خانه
	خانه آن چنان که در رسانه‌های جمعی به تصویر کشیده می‌شود، خود نیز تأثیر زیادی بر اذهان عمومی از مفهوم خانه می‌گذارد، گسترش عمودی خانه‌ها، افزایش ارتباطات در دنیای مجازی و ورود آن به فضای خانه.
کالبدی - فیزیکی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ تبدیل خانه به آپارتمان و مجتمع‌های بلندمرتبه، مجاورت بسیار نزدیک همسایگی‌ها و تداخل حریم‌های شخصی، عدم طراحی مناسب فضاهای باهم بودن در مجتمع‌ها و آپارتمان‌های موجود (نظیر هشتی، ورودی و...)، عدم وجود عامل حریمیت در طراحی و جایگذاری فضاهای اصلی خانه مثل آشپزخانه، اتاق خواب، سرویس بهداشتی، اشرافیت ساختمان‌ها به هم و عدم رعایت اصل حریمیت، حذف برخی فضاهای اصلی خانه نظیر اتاق مهمان و اتاق نشیمن، حذف حیاط و کاهش سطح آن، عدم رعایت حداقل‌های رعایت عایق‌بندی ساختمان به‌ویژه عایق‌بندی صوتی.
کارکردی - عملکردی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ برخی کارکردهای مهم از خانه حذف شده‌اند: نظیر پارکینگ، حذف کارکردهایی مثل محل بازی کودکان به دلیل عدم وجود فضای مناسب، فشرده‌سازی خانه‌ها و به تبع آن ایجاد کارکردهای جدید نظیر تالارها در شعاع دسترسی خانه‌ها که قبلاً وجود نداشته است. امروزه بسیاری از مراسم خانوادگی یا برگزاری سفره‌های نذری و هیئت‌ها به دلیل کمبود فضا، حذف و یا به مکان جدید انتقال یافته است
قانونی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ نارسایی قوانین موجود ساخت‌وساز (الزام ۶۰٪ و ۷۰٪ ساخت زمین)، عدم انسجام لازم در برخی قوانین نظیر میزان ارتفاع مجاز پنجره‌ها با در نظر گرفتن رعایت اشرافیت و جرائم - نقص قانون اوکابه پنجره‌ها و عدم کفایت آن برای کنترل مبحث حریمیت.
اقلیمی - زیست‌محیطی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ عدم رعایت کامل مسائل نور رسانی (بحث سایه‌اندازی و نور)، تهویه هوا و مسائل نظیر در بسیاری از مجتمع‌های بلندمرتبه و آپارتمانی، عدم رعایت الزامات اقلیمی در ساخت خانه(خانه در اقلیم سرد با اقلیم گرم مفهوم یکسانی دارد یا تدابیر ساده‌ای چون سایه‌بان و یا سیستم تهویه طبیعی در معماری بنا رعایت نمی‌شود).
سیاست‌گذاری‌ها	<ul style="list-style-type: none"> ▪ فروش تراکم ساختمانی، عدم اتخاذ سیاست‌های یکپارچه و مستدام.

در لایه سوم بر اساس داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها مبنای فکری مفهوم نوین خانه در سبک نوین زندگی شهری از گفتمان جهانی شدن نشئت می‌گیرد و جهان‌بینی مدرن‌نیت از محتوا و مفهوم خانه در سبک نوین زندگی شهری پشتیبانی می‌نماید. در چنین شرایطی، شیوه نگرش نسبت، به مسائل قدیمی و محتوای آن باید دگرگون شود. حس تنوع‌طلبی و تلاش برای آنچه به‌روز بودن تلقی می‌کند،

انسان را به سمت تغییر مفهومی خانه متناسب با نیازهای معاصرش سوق داد. به دلیل سایه‌اندازی مدرنیته افراد به دنبال زندگی ماشینی محور رفتند و از مفهوم باهمستان‌های ایرانی فاصله گرفتند. حتی دکوراسیون خانه‌ها حال و هوای مدرنیته را نشان می‌دهد. تحولات اجتماعی پیش‌گفته در قالب گفتمان تجددگرایی نیز قابل تفسیر است. در سایه این گفتمان مدرنیسم فرهنگی روی داد و جامعه و اقتصاد ایران را از صورت‌بندی سنتی خود خارج ساخت و به‌صورت مدرنیته و سرمایه‌داری درآورد. مدرنیسم اقتصادی به تغییر نگرش به کسب سود، فعالیت اقتصادی عقلایی، استفاده زیاد از تکنولوژی پیشرفته و تلاش مستمر برای ایجاد تغییرات نوآورانه در سیستم تولید پرداخته و افزایش مصرف‌گرایی را به دنبال دارد. فردگرایی و تقویت حریم شخصی نیز تأثیر به‌سزایی بر مفهوم خانه گذاشته است. حتی در نام‌گذاری فضاهای داخلی خانه این امر مشهود است. در مفهوم سنتی خانه به اسم هر عضو خانواده فضایی وجود نداشت و غالباً بر مبنای عملکرد و کارکرد این تقسیم‌بندی فضا صورت می‌گرفت؛ اما در مفهوم نوین آن، هر فرد یک فضای کاملاً خصوصی که حتی حداقل متراتژ را داشته باشد نیاز دارد. فردی که در چنین شرایطی زندگی می‌کند احتمال اینکه در آینده تمایل داشته باشد در یک فضای خصوصی کوچک بدون خانواده زندگی کند (گرایش به زندگی مجردی یا تک‌نفره) را متصور می‌سازد. بهترین استعاره‌ها برای توصیف وضع موجود مفهوم خانه و مسکن عبارت‌اند از: «فضای بدون روح»، «کالبد بدون روح و معنا»، «خوابگاه فاقد معنا». درعین حال افراد باوجود اینکه نگاه سرمایه‌ای به خانه‌دارند؛ اما در تلاش برای دادن هویت خود به مکان هستند. این در حالی است که شرایط مختلف که مهم‌ترین آن اقتصادی است، به انسان اجازه نمی‌دهد که همه مشخصه‌های دلخواه خود را در خانه داشته باشد. این امر سبب شده است که این مشخصه‌ها را در ابعاد کوچک و مینیمایز شده در مسکن خود تعبیه کند و درواقع (مسکن خانه نما) شاید بهترین استعاره برای توصیف مسکن موجود شهرهای کنونی باشد. به‌عنوان مثال در فضای کوچک باغچه (که شاید در بالکن یا در پشت‌بام تعبیه‌شده باشد) باغبانی می‌کند. از بالکن به‌عنوان حیاط استفاده می‌کند، از آب‌نماها در داخل آپارتمان استفاده می‌کند تا حیاط و ارتباط با طبیعت خانه خود را تأمین کند. درواقع با این تدابیر فرد سعی می‌کند ایده آل‌های خود را در مسکن وارد کند و آن را به‌گونه‌ای به خانه آرمانی ذهن خود نزدیک سازد. به نظر می‌رسد که عوامل اقتصادی، اجتماعی و مسائل پیش‌گفته نه‌تنها عامل ایجاد مفهوم جدید خانه متناسب با سبک نوین زندگی هستند، بلکه در

ساختار بازتعریف مفهومی خانه نیز نقش دارند؛ یعنی نه تنها عامل بلکه جزئی از مسئله هستند. در واکاوی وضع موجود مفهوم خانه، نوعی ناسازگاری و تقابل بین گفتمان سنت‌گرایی و تجددطلبی به چشم می‌خورد که خود مسبب یک اغتشاش محتوایی و مفهومی است. در لایه چهارم یک پرسش اصلی مدنظر قرار گرفته است که کدام استعاره‌ها مفهوم اصلی خانه را شکل می‌دهند؟ پاسخ به این پرسش، ساختارهای ناآگاهانه و روایت‌هایی را که در ناخودآگاه جمعی افراد مسئله‌سازی می‌کنند، کشف خواهد کرد. گردآوری این اطلاعات زمینه شناسایی آینده‌های بدیل در ارتباط با استعاره‌های خانه در سبک نوین زندگی شهری را مهیا می‌کند. این استعاره‌ها همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد استعاره‌های بدیل از آینده مفهوم خانه هستند. بر این اساس فهم استعاره‌ها و اسطوره‌ها نه تنها لایه‌های عمیق تمدنی شکل‌دهنده به آینده را آشکار می‌سازد، بلکه با ردیابی عوامل ناخودآگاه و اسطوره، امکان خلق آینده‌هایی متفاوت از وضع موجود را مهیا می‌سازد. استعاره «شناور بودن» مفهوم خانه متناسب با تغییرات رایج در سبک زندگی سبب می‌شود که نتوان یک مفهوم مشترک از آن ارائه کرد. بحث فضای مجازی نیز به‌نوبه خود این موضوع را تقویت کرده است. گروه مجازی در واقع حکم یک میهمانی خانوادگی را خواهد داشت که یک شیوه رایج معاشرت و خبر گرفتن از یکدیگر، بدون انجام رفت‌وآمد (شیوه سنتی) شده است. می‌توان گفت در سبک جدید زندگی شهری، تمایل به ارتباط چهره به چهره در سایه زندگی مجازی و دیجیتالی، کم شده است. مکالمات بیشتر از این‌که نیازی به ملاقات حضوری داشته باشند، «متن بنیان» شده است. در همه‌مهمه زندگی پیچیده دنیای معاصر، در این شیوه برقراری ارتباط، فرد در زمان و به‌طور زنده ارتباط برقرار نمی‌کند، بلکه پیام را منتقل نموده و فرد مقابل در زمانی که فرصت داشته باشد، جواب مناسب را خواهد داد. این در حالی است که تعامل چهره به چهره، نیاز به مکان دارد و در حال حاضر، مکان این تعامل به یک فضای مجازی منتقل شده است که هیچ مکان فیزیکی را نیز لازم ندارد. لایه‌های چهارگانه و عناصر کلیدی هر لایه از دیدگاه صاحب‌نظران در جدول شماره ۶ نشان داده شده است.

جدول (۶): لایه‌های چهارگانه روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها از دیدگاه صاحب‌نظران در ارتباط با مفهوم خانه در سبک نوین زندگی شهری

دیدگاه‌ها	لایه‌ها
تغییر مفهوم خانه در سبک نوین زندگی، تغییر شکلی خانه به آپارتمان و مجتمع‌های بلندمرتبه، تغییر خصیصه‌های اصلی خانه	لایه لیبتانی - مسئله مشهود
علت‌های اجتماعی - فرهنگی، علت‌های اقتصادی، علت‌های فناورانه، علت‌های کالبدی - فیزیکی، علت‌های کارکردی - عملکردی، علت‌های مربوط به نحوه سیاست‌گذاری - قانونی، علت‌های اقلیمی - زیست‌محیطی	لایه علل کلان اجتماعی
جهانی‌سازی، مدرنیته، فردگرایی، تنوع‌طلبی، شخصی‌سازی	لایه گفت‌وگو / جهان‌بینی
خانه هوشمند، خانه به‌عنوان یک ابر دیجیتال، خانه انسانی، خانه متحرک	لایه استعاره / اسطوره‌ها



شکل (۱): تحلیل وضع موجود خانه در سبک نوین زندگی شهری در لایه‌های چهارگانه روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها از دیدگاه متخصصان و معماران و برنامه‌ریزان شهری

۲-۵. سناریوهای بدیل برای انگاره خانه در سبک نوین زندگی شهری با روش تحلیل لایه‌های علت‌ها

با توجه به چهار الگوی اصلی جیمز دیتور (۱۹۷۹)، در نگارش سناریوها (رشد مداوم، فروپاشی، وضعیت باثبات و دگرگونی) چهار سناریو برای انگاره خانه متناسب با سبک نوین زندگی شهری ارائه می‌شود:

- **سناریوی رشد:** سناریوی برگزیده در این حالت، سناریوی «خانه هوشمند» خواهد بود. با استمرار شرایط موجود و البته رشد فزاینده فناوری در چنین خانه‌ای تقریباً فرد به اوج فردگرایی رسیده است و خانه طبق خواسته‌های فردی تنظیم شده است. در این خانه کاربر مینا، ساعت دلخواه طبق برنامه از پیش تعیین شده، خواسته‌های فردی انجام می‌شود و شخصی‌سازی در منتهای خود قرار می‌گیرد. تعاملات اجتماعی تقریباً به صفر میل می‌کند و بر اساس ذائقه هر فرد، تکنولوژی خانه را برنامه‌ریزی خواهد کرد. این خانه دقیقاً تکنولوژی مینا و کاربر مینا خواهد بود.

- **سناریوی زوال:** سناریوی طرح‌ریزی شده در این حالت سناریوی «خانه شبکه‌ای» است. در این حال، مسائل کلان مطروحه در لایه دوم که ابعاد مختلفی را دربر می‌گرفتند در راه کارایی به‌منظور حل یا کاهش اثرات خود موفق نبوده و بروز تناقضات مختلف خانه را به یک شبکه دیجیتالی صرف تبدیل کرده که جدای از تأمین بسیاری از نیازهای فردی، تکنولوژی صرفاً در شکل‌دهی به این ابر مجازی کمک کرده و در واقع حالت، مدیریت نشده و استمرار روندهای کنونی را نشان می‌دهد.

- **سناریوی پایدار:** سناریوی منتخب در این حالت، سناریوی «خانه عقلانی» است. در این حالت، خانه در یک مفهوم متوازن و متعادل ابعاد مختلف زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، فناورانه و قانونی و ... را در حالتی متوازن و مطلوب داراست. این خانه به رشد و پرورش ابعاد انسانی فرد بها می‌دهد و خانه متناسب با انسان واجد یک مفهوم هویت‌بخش و معنادار است. خانه در این حالت، خاطره ساز خواهد بود و فرد یک ارتباط عمیق با خانه خود برقرار می‌سازد.

- **سناریوی دگرگونی:** سناریوی خانه در این حالت، سناریوی «خانه منعطف» است. این خانه از دو بعد درون و بیرون می‌تواند ویژگی منعطف و قابلیت انعطاف پذیری را داشته باشد. در این نوع خانه، باینکه متراژ خانه کاهش خواهد یافت اما

به مدد فناوری فضای بیشتری در خدمت افراد قرار می‌گیرد و با محدودیت فضایی مواجه نیست. مبلمان متحرک، یکی از راه‌کارهای اصلی مورد استفاده در چنین خانه‌ای خواهد بود. در این حالت، بخشی از خانه تا قسمتی از روز مخصوص کارکرد خاصی خواهد بود و از آن لحظه به بعد کارکرد دیگری را خواهد گرفت. از این منظر فضای خیلی بیشتری در خدمت کاربران قرار خواهد گرفت. در این حال، خانه‌ای شکل خواهد گرفت که نسبت به وضعیت موجود فاصله زیادی دارد و به کل مفهوم خانه را متحول خواهد ساخت.

با توجه به سناریوهای به‌دست‌آمده سناریوی منتخب برای خانه مسلمان سناریوی سوم می‌باشد با این تفسیر که حقیقت انسان عقل است، پس حقیقت خانه و نیز باید خانه عقل باشد. عقل وقتی به هدف می‌رسد ساکن می‌شود، هدف و خانه عقل، عقل کل است. اگر عقل به عقل کل برسد، ساکن می‌شود که همان ایمان است. ایمان یعنی اندیشه به کمال رسیده، اندیشه‌ای که به امنیت می‌رسد و صاحب این عقل مؤمن است.

یک معمار و شهرساز مسلمان باید مجتهد باشد، باید فتوا بدهد، در حقیقت معمار و شهرساز مسلمان در هر موقعیتی باید اصول ثابت عقلانی را در ظرف جدید که همان مسئله و نیاز جدید است؛ بریزد، عقل واحد را در ظرف خاص بریزد تا ظرف خاصی از خانه پدید آید. پس انسان در حقیقت پدیدارکننده عقل است و این انسان باید شب به اصلش بازگردد، ذکر بگوید یعنی به یاد آورد، عقل باید بیندیشد تا به عقل کل برسد. اندیشیدن یعنی به‌سوی خدا رفتن. خانه عقل در کجاست؟ عقل باید بیندیشد تا به عقل کل برسد. اندیشیدن یعنی به‌سوی خدا رفتن. خانه عقل در کجاست؟ انسان در عبادات خود است که با معبود خودش هم‌نشینی و هم‌کلامی کند.

ظرف با خدا بودن و اندیشیدن عبادتگاه است. پس خانه ما باید یک عبادتگاه و یا اتاقی برای عقل و حقیقت انسان داشته باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با این دیدگاه که مفهوم خانه و مسکن در سبک نوین زندگی شهری متحول شده و هرروزه مفهومی نوین می‌یابد. گاهی در عمل در حد یک سرپناه تنزل یافته و گاهی در مبانی نظری فراتر از یک سرپناه بوده و برای آن روح و احساس در نظر می‌گیرند و نظر به این که خانه به یک مفهوم در حال تحول و گذار مبدل شده است و این در حالی است که خانه‌های سنتی در ایران در برقراری ارتباط مناسب با

سبک زندگی ایرانی به نظر موفق بوده و در پی این امر، کیفیت محیط‌های مسکونی مضاعف بوده است؛ به‌منظور واکاوی تغییر مفهوم خانه متناسب با سبک نوین زندگی شهری، بر اساس روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها این موضوع در چهار سطح لیتانی، علت‌های نظام‌مند، جهان‌بینی یا گفتمان و اسطوره/استعاره و عواملی که در چهار سطح بر مسئله تغییر مفهوم خانه متناسب با سبک زندگی شهری، تأثیرگذار بودند، واکاوی و موردبررسی قرار گرفت. بنابراین در این پژوهش، روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها به‌منظور ساختار زدایی و ساختاردهی مجدد به آینده و برای خلق آینده‌های بدیل و ارائه سناریوهای بدیل بر اساس استعاره‌های بدیل از مفهوم خانه پرداخته شد و سعی گردید تا فضایی برای خلق آینده‌های بدیل و طراحی سناریوهای مؤثرتر، جامع‌تر، عمیق‌تر و بلندمدت‌تر در ارتباط با مفهوم و استعاره خانه ایجاد شود.

طبق نتایج تحقیق، در لایه اول در ارتباط با مفهوم خانه در شهرهای معاصر، لایه مشهود مفهوم خانه مورد واکاوی قرار گرفت و موضوع مورد اجماع در نظر متخصصین، تغییر بسیار مفهوم و انگاره خانه است. این مفهوم نشان از یک تغییر ماهوی مفهوم خانه در سبک نوین زندگی دارد. در این سطح روندهای کمی و مشکلات پیرامون مسئله خانه و مسکن، به‌صورت مبالغه‌آمیزی معرفی شده‌اند و نشان از دگرگونی شکل و خصیصه‌های مفهوم خانه دارد. رویدادها و موضوعات کلی در این سطح به‌ظاهر با یکدیگر ارتباطی ندارند؛ برای مثال شیوه آپارتمان‌نشینی و تغییر فرم سکونت. این سطح بیشتر حالت و وضعیت «هشداردهنده‌ای» را ظاهر می‌سازد که نشان از یک وضعیت بحرانی جدی برای بررسی بیشتر می‌دهد. این سطح بیشتر نمایانگر مواجهه با مشکلات موجود در رابطه با خانه می‌باشد. روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها با عبور از لایه اول، به‌سرعت وارد لایه دوم یعنی لایه علل کلان اجتماعی می‌شود و به واکاوی ریشه‌های مسئله موردنظر در این لایه‌ها می‌پردازد. این مرحله نمایانگر شاهدی بر ادعای ارائه‌شده در لایه قبل است؛ که عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، فناورانه و سیاست‌گذاری - قانونی مؤثر بر تغییر مفهوم خانه موردبررسی قرار گرفت. در سطح سوم تحلیل، به بررسی گفتمان/جهان‌بینی که از وضع موجود مفهوم محله پشتیبانی می‌کند، پرداخته شد. از نظر متخصصین، گفتمان‌های مدرنیته و جهانی‌سازی، فردگرایی و تنوع‌طلبی زمینه‌ساز برای تغییر مفهوم خانه را فراهم کرده‌اند. در لایه چهارم به‌عنوان عمیق‌ترین و خلاقانه‌ترین سطح، استعاره‌های تشریح‌کننده مفهوم فعلی خانه در ذهن متخصصین بررسی شد و درنهایت از آنان خواسته شد تا استعاره‌های بدیلی برای نگارش سناریوهای بدیل

ارائه دهند. با توجه به تغییر مستمر مفهوم خانه و ادامه این روند می‌توان بیان کرد که خانه در آینده بیشتر به این‌سو سوق خواهد داشت که فضاهای به نسبت کوچک‌تری را دربر بگیرد و مقیاس خانه در ازای حذف کارکردهای خدماتی و جای‌گزینی آن با مکان‌های ارائه این خدمات به‌عنوان مثال فست فود، رستوران و ... خردتر می‌شود. فضاهای خدماتی داخل خانه به نسبت ابعاد خود خانه نیز کوچک‌تر شده، به‌علاوه با ورود فضای مجازی به خانه‌ها، فضاهای باهم بودن نظیر (فضای نشیمن) کوتاه‌تر یا حذف‌شده و در عوض، فضاهای خصوصی بزرگ‌تر می‌شوند. علاوه بر این، خانه به‌صورت یک خوابگاه صرف نقش ایفا خواهد کرد. افراد درون خانه نیز در تغییر مفهوم خانه در سبک نوین زندگی شهری به هم خوابگاهی تغییر خواهند کرد و تعاملات اجتماعی در داخل خانه نیز بسیار کمرنگ خواهد شد. در این حالت، اجتماعی که خود مسبب و خواستار خانه در سبک نوین زندگی و تغییر آن بوده است، به دلیل نزول شدید سطح تعاملات اجتماعی و ابعاد تعادل روحی - روانی انسان در خانه متضرر خواهد شد. درعین‌حال، مهم‌ترین استعاره‌های مفهوم خانه در بلندمدت به‌صورت خوش‌بینانه و با تعدیل روندهای کنونی به این صورت قابل تبیین است که خانه از حالت کبریتی و محدود خود خارج‌شده و با دربرگیری معنای درخور یک فضای زیستی برای کنار هم بودن تلقی خواهد شد. خانه به لحاظ ابعاد فناورانه، بسیار پیشرفته شده و خواهد توانست، نقش باهمستان در خانواده را ایفا نماید. لذا علاوه بر آن که مکانی برای استراحت است، کار و تفریح و مکانی برای باهم بودن و برقراری بیشتر تعاملات اجتماعی را نیز پشتیبانی نموده و تصویر ذهنی مثبتی را در ذهن افراد ایجاد می‌کند. همچون خانه سنتی که واجد معنا و خاطره ساز بود. خانه در آینده نیز، مفهوم یک فضای دارای معنی و خاطره را دربر خواهد گرفت. با دربرگیری معنا، تصویر ذهنی مثبتی برای افراد از مفهوم خانه ایجاد خواهد شد. آن چنانکه بخشی از بهترین خاطرات افراد در خانه شکل خواهد گرفت. چنین خانه‌ای در ارتباط کامل با طبیعت، قرار خواهد داشت و کارکردهای بیشتری از یک سرپناه صرف را دربر می‌گیرد؛ بنابراین با توجه به تغییر مفهوم خانه در لایه‌های مختلف، تحلیل لایه‌ای علت‌ها با استفاده از سناریونویسی به‌عنوان ابزار بیانی، بستر مناسبی را برای خلق آینده‌های بدیل برای گذر از وضع موجود به آینده مطلوب را فراهم می‌کند و طراحیان و برنامه‌ریزان شهری می‌توانند با ارائه تصویری مطلوب از خانه، بحران‌های موجود در این زمینه را مدیریت کنند.

پیشنهادها

بر اساس نتایج تحقیق پیشنهادهایی در دو حوزه برای استفاده اعضای آکادمیک و مدیران شهری به شرح زیر ارائه می‌گردد:

پیشنهادهای مدیریتی (برنامه‌ریزی)

- ارتقا و اصلاح ساختار مدیریت و توسعه مسکن شهری به‌منظور متناسب‌سازی الگوهای مسکن شهری با سبک زندگی با هدف حداکثر سازی رفع نیازهای معاصر مردم در عین حفظ ارزش‌های سنتی خانه. آموزش و فرهنگ‌سازی برای مسکن مطلوب در جامعه متناسب با ارزش‌های جامعه و سبک زندگی مردم.

پیشنهادهای پژوهشی (آکادمیک)

تحلیل لایه‌ای علت‌ها در دیگر استعاره‌ها و مفاهیم همچون، محله، بازار و... توسط پژوهشگران علاقه‌مند به این حوزه به‌صورت تطبیقی انجام شود تا با بسط و تکمیل یافته‌های اجرایی این پژوهش توسط اندیشمندانی که مبانی نظری و پیش‌بینی‌های این پژوهش را می‌پذیرند، به‌عنوان پشتیبان یافته‌های پژوهش حاضر و دیگر پژوهش‌های مشابهی که توان مسئله‌بینی و حل مسئله را مورد شناسایی قرار داده‌اند، باشد.

- انجام پژوهش‌های مشابه از طریق تعریف و ارزیابی سناریوهای رقیب و انجام پژوهش‌های علی از طریق طرح‌های تجربی و نیمه تجربی که بتواند توصیه‌های این پژوهش در خصوص بخش مسکن و خانه‌سازی را در افق‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت و بلندمدت ارزیابی نماید.

- تشکیل تیم‌های تخصصی از نخبگان و آینده‌پژوهان مجامع دانشگاهی جهت سناریو پردازی و ارائه تصویری از واقعیت‌های احتمالی و قریب به واقعیت با شناسایی بهترین سناریوهای محتمل با رصد کردن مطالعات سایر کشورها به‌خصوص به شیوه‌های تطبیقی، به غنی‌تر شدن شناخت‌ها و پیش‌بینی‌ها در این حوزه پژوهشی پرداخته شود.

فهرست منابع

- اباذری، یوسف؛ چاوشیان، حسن (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی، **نامه علوم اجتماعی**. شماره ۲۰.
- ابو ترابیان، فاطمه (۱۳۹۳)، نمادهای سبک زندگی غربی در تقابل با سبک زندگی اسلامی، **فصلنامه سبک زندگی دینی**. سال اول، شماره ۱، صص ۹۵-۱۲۶.
- الفت، سعیده؛ سالمی، آزاده (۱۳۹۱)، مفهوم سبک زندگی، **فصلنامه مطالعات سبک زندگی**. سال اول. شماره ۱. صص ۹-۳۶.
- الهی زاده، محمدحسین؛ سیروسی، راضیه (۱۳۹۳)، الگوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی، **فصلنامه سبک زندگی دینی**. سال اول. شماره ۱. صص ۳۵-۷۰.
- باقری، محمد؛ حجت، عیسی؛ دشتی، مینا (۱۳۹۳)، ارزیابی تحول زبان الگو در معماری مسکن (بررسی موردی: خانه‌های دوره قاجار و مسکن معاصر در شهر زنجان)، **دو فصلنامه دانشگاه هنر**. شماره ۱۴. صص ۱۴۱-۱۵۶.
- بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۱)، **تبیین اصول طراحی مسکن از دیدگاه قرآن کریم**، صندوق حمایت از پژوهشگران.
- پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۷)، **برنامه‌ریزی مسکن**، تهران، انتشارات سمت.
- حمزه نژاد، مهدی؛ صدریان، زهرا (۱۳۹۳)، اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر، **فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی**. سال اول، شماره ۴، صص ۵۷-۷۶.
- شصتی، شیما؛ فلامکی، محمد منصور (۱۳۹۳)، رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی (با تکیه بر نظریه «جامعه کوتاه مدت» و نظریه «راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران»)، **فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی**. دوره ۶، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۳۷.
- علی‌الحسابی، مهران؛ کرانی، نعیمه (۱۳۹۱)، عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده، **مسکن و محیط روستا**. شماره ۱۴۱، صص ۱۹-۳۶.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۶)، مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)، **فصلنامه علمی-پژوهشی**

تحقیقات فرهنگی. سال ۱، شماره ۱، پاییز، صص ۲۵-۳۶.
فکوهی، ناصر (۱۳۸۶)، خرده‌فرهنگ‌های اقلیتی و سبک زندگی: روندها و چشم‌اندازها، تحقیقات فرهنگی ایران. شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۷۴.
مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۶)، مفهوم «سبک زندگی» و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی. سال اول، شماره ۱.
مهرآیین، مصطفی (۱۳۸۹)، دیدگاه‌هایی در فرهنگ و تکنولوژی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.

ناجی میدانی، علی‌اکبر؛ فلاحی، محمدعلی؛ ذبیحی، مریم (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر پویای عوامل کلان اقتصادی بر نوسانات قیمت مسکن در ایران (۱۳۶۹-۱۳۸۶)، مجله دانش و توسعه. سال ۱۸، شماره ۳۱.

نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۷)، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، چاپ اول، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
نقی زاده، محمد (۱۳۹۱)، تأملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۰.

نقی زاده، محمد (۱۳۹۳). مسکن اسلامی (مبانی نظری تا جلوه‌های عینی در گذشته و حال)، دو فصلنامه اندیشه معماری. سال اول، شماره دوم، صص ۴۷-۶۷.
نیازی، محسن؛ کارکنان نصرآبادی، محمد (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین میان دین‌داری و سبک زندگی شهروندان مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۱۶، صص ۱۷۳-۲۱۳.

وثیق، بهزاد و آزاده پشتونی زاده (۱۳۸۹)، مفهوم سکونت در آیات و روایات اسلامی، فصلنامه علمی-پژوهشی مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۹، ۵۰-۶۵.

Abazari, Y. and Chavoshian, H (2002). Social class and life style: New approaches in the sociology of social identity, Journal of Social Sciences, 20: Autumn and winter: 3-27. (In Persian)

Abu Tarabian, F (2013), Western lifestyle symbols in contrast with Islamic lifestyle, **Religious Lifestyle Quarterly**. Year 1, No. 1, pp. 126-95. (In Persian)

Acker, V, V. Mokhtarian, P, L. Witlox, F(2014). Car availability explained by the structural relationships between lifestyles, residential location, and underlying residential and travel attitudes. *Transport Policy*,35: 88-99.

- Alfat, S ; Salemi, A (2012), Lifestyle Concept, **Lifestyle Studies Quarterly**. first year. No. 1. pp. 9-36. (In Persian)
- Ali al-Hasabi, M; Karani, N (2013), factors influencing the transformation of housing from the past to the future, **housing and village environment**. No. 141, pp. 19-36. (In Persian)
- Bagheri, M; Hujjat, I; Dashti, M (2013), evaluation of the evolution of pattern language in housing architecture (case study: Qajar period houses and contemporary housing in Zanjan city. **journals of the University of Arts**. Number 14. pp. 141-156. (In Persian)
- Bamaniaan, M (2012), Explaining the principles of housing design from the perspective of the Holy Quran, **Researcher Support Fund**. (In Persian)
- Bell, D. Hollows, J(2006). *Historicizing lifestyle*, Ash-gate: London.
- Benedikter, R. Anheier, M. Smeyer, S(2011). «lifestyles», *The sage encyclopedia of global studies*: Illinois.
- Bourdiru, P(1984). *Distinction: a social critique of the judgment of taste*, translated by Richard Nice. New York: Routledge.
- Elahizadeh, M; Sirousi, R (2013), Modeling housing based on Islamic lifestyle, **Religious Lifestyle Quarterly**. first year. No. 1. pp. 35-70. (In Persian)
- Fakuhi, N (2016), Minority Subcultures and Lifestyle: Trends and Perspectives, **Cultural Research of Iran**. No. 1, pp. 143-174. (In Persian)
- Fazeli, N (2006), Modernity and housing (an ethnographic approach to the concept of home, rural lifestyle and its modern developments), **scientific-research quarterly of cultural research**. Year 1, Number 1, Fall, pp. 25-36. (In Persian)
- Frenkel, A. Bendit, E. Kaplan, S(2013). Residential location Choice of knowledge-workers: The role of amenities, *workplace and lifestyle.cities*, 35: 33- 41.
- Giddens, A(1991). *Modernity and Self Identity: Self and Society in the Late Modern Age* .Oxord, Polity press.
- Gordon, T. J.,Glenn, J. C(1993). Issues in Creating the Millennium Project: Initial Report from the Millennium Project Feasibility Study, United NationsUniversity.- Jansen, S, J.T(2011). The added value of lifestyle variables: the search continues, *Enhr Conference*, Toulouse: France.
- Hamzenejad, M; Sadrian, Z (2013), Principles of house design from an Islamic perspective and contemporary practical patterns, **Islamic Architecture Research Quarterly**. Year 1, No. 4, pp. 57-76. (In Persian)
- Lash, S. Urry, J(1987). *The End Of Organised Capitalism*, Cambridge : Polity press.
- Lee, H. J. (2005). *Influence of Lifestyle on Housing Preferences of Multifamily Housing Residents, Unpublished Phd dissertation*, Virginia Polytechnic Institute and State University, Virginia, USA.
- Mahdavi Keni, M (1386), the concept of "lifestyle" and its scope in social

- sciences, **Cultural Research Quarterly**. First year, number 1. (In Persian)
- Mehraayin, M. (1389), **perspectives on culture and technology**, Tehran, Islamic Azad University. (In Persian)
- Naghizadeh, M. (2013), a reflection on understanding the foundations of Islamic Iranian housing, **Book of the Month of Art**, number 170. (In Persian)
- Naghizadeh, M. (2013). Islamic housing (theoretical foundations to concrete effects of the past and present), **two quarterly journals of architectural thought**. First year, second issue, pp. 47-67. (In Persian)
- Naji Maidani, A; Falahi, M; Zabihi, M (1389), examining the dynamic effect of macroeconomic factors on housing price fluctuations in Iran (1386-1369), **Knowledge and Development Magazine**. Year 18, No. 31. (In Persian)
- Niazi, M; Nasrabadi staff, M (2013), investigating the relationship between religiosity and the lifestyle of citizens, a case study of the citizens of Kashan city in 2013, **Social Development and Welfare Planning Quarterly**. No. 16, pp. 173-213. (In Persian)
- Pourmohammadi, M (2007), Housing Planning, Tehran, Samit Publications. (In Persian)
- Scheiner, J. Kasper, B(2003). Lifestyles, choice of housing location and daily mobility The lifestyle approach in the context of spatial mobility and planning, **International Social Science Journal**, 55(176), 319-332.
- Shasti, Sh; Flamaki, M. (2013), the relationship between Iranian lifestyle and housing (based on the theory of "short-term society" and the theory of "territorial strategy and politics of Iranian society"), **Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities**. Volume 6, Number 3, pp. 117-137. (In Persian)
- Silversmith, A (2007), Introduction to Islamic identity in architecture and urban planning, first edition, Tehran, **Ministry of Housing and Urban Development**. (In Persian)
- Turgat, H. (2001). Culture, continuity and change: Structural analysis of the housing pattern in squatter settlement. **Global Environment Research (GBER)**, 1(1), 17-25.
- Vathiq, B ; Pashtoonizadeh, A (2009), the concept of residence in Islamic verses and traditions, **scientific-research quarterly housing and village environment**, number 129, 50-65. (In Persian)
- Walker, J, L. Li, J(2007). **Latent lifestyle preferences and household location Decisions**, J Geograph Syst, 9:77-101.

